

آیا موضع گیری کابلوف موقف روسیه می باشد؟



صفحه ۶

دو عامل اصلی و تعیین کننده صلح و ثبات در افغانستان



وقتی قانونیت و عدالت مستلزم و متضمن صلح و ثبات است، مجری و مسوول اجرای قانون و عدالت کیست؟ پاسخ این پرسش را حتی کودکان جامعه هم می دانند که مجری قانون و عدالت در افغانستان و هر جامعه و کشور دیگر، دولت و حکومت است. اما اگر دولت و حکومت به جای اجرای قانون و تطبیق عدالت، ناقض قانون، مجری بی عدالتی و عامل فساد باشد، آیا در جامعه، صلح و ثبات تحقق می یابد؟ آیا مردم در حیات فردی و اجتماعی خود احساس آرامش و امنیت می کنند؟

صفحه ۹

تعهد چین به همکاری نظامی با افغانستان



مقامات چین که روابط نزدیک اقتصادی و نظامی با پاکستان دارند در سفر مشاور امنیت ملی افغانستان به پکن برای همکاری نظامی و امنیتی با دولت کابل متعهد شدند.

مقامات چینی به هیأت افغانستان به سرپرستی حنیف اتمر مشاور امنیت ملی این کشور گفته اند که با دولت کابل در بخشهای نظامی و امنیتی همکاری خواهند کرد. مشاور امنیت ملی افغانستان در راس هیأتی برای دیدار دو روزه به چین رفته بود.

دولت پکن با وجود نزدیکی به پاکستان برای نقش در روند صلح افغانستان در سالهای گذشته تاکنون تلاش کرده است.

چین یکی از اعضای نشست چهارجانبه صلح افغانستان است.

وزارت دفاع چین نیز با انتشار بیانییه ای اعلام کرد که برای مبارزه با تروریسم و مواد مخدر همچنین آموزش نظامیان افغانستان با دولت کابل همکاری می کند.

مشاور امنیت ملی کشور در دیدار با رییس سازمان امنیت داخلی چین گفته است که نظامیان افغانستان تنها برای افغانستان با تروریسم مبارزه نمی کنند بلکه آنها در خط مقدم نبرد جهانی با این پدیده شوم هستند.

مقامات چین همچنین در این دیدار از نفوذ گروههای تندرو اویغور به این کشور ابراز نگرانی کرده اند.

ریاست جمهوری:

حادثه سه شنبه خونین بررسی می شود

برخی از کاربران شبکه های اجتماعی انتقال موثر مملو از مواد انفجاری را تا چند قدمی ارگ ریاست جمهوری سوال برانگیز خوانده و برخی دیگر هم گفته اند، مالک سرایی که این موثر در آنجا پارک شده بود، باید مورد بازپرس قرار گیرد



صفحه ۱۰

نتیجه چندین دوره نشست صلح

دولت افغانستان:

جنگ را با جنگ پاسخ می دهیم



موقف ما در برابر دشمنان افغانستان این است که آنان دشمنان مردم افغانستان هستند و ما در برابرشان جنگ می کنیم تا سرکوبشان کنیم.

او یادآور گردید که حالا به پاکستان ارتباط دارد و عملاً می بیند که طالبان صلح نمی کنند و به جنگ ادامه می دهند، پس باید تعهدش را عملی کند.

معاون سخنگوی ریاست جمهوری با اشاره به حادثه مرگبار حمله به ریاست محافظت از رجال برجسته، گفت: به قربانیان حادثه کابل کمک مالی صورت

می گیرد

صفحه ۱۱

در برگ ها

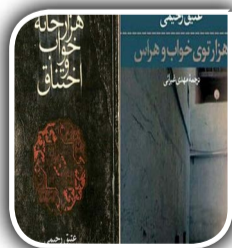


فرصتی تازه برای اقتدار ملی

ریشه های معرفت شناسی دموکراسی



پارسی دری



دولت توجه جدی به ورزش ندارد



فرصتی تازه برای اقتدار ملی



حمله مرگبار انتحاری روز سه‌شنبه کابل، جامعه افغانستان را به شدت تکان داد. این حمله پس از تشکیل دولت وحدت ملی در نوع خود بی‌پیشینه بود و نشان داد که تروریستان به هیچ صورت خواهان صلح و مذاکره نیستند. از جانب دیگر، وقتی به دسته دسته و گروه گروه شهروندانی که به شفاخانه‌ها برای اهدای خون به آسیب‌دیده‌گان این حادثه المناک مراجعه می‌کردند نگاه کنیم، می‌بینیم که مردم افغانستان با چنین حملات وحشیانه دشمنان از پا نمی‌افتند و چونان سرو استوار پابرجا ایستاده‌اند و از نیروهای امنیتی، ارزش‌های ملی و کشور آبابی‌شان حمایت می‌کنند. حضور هزاران تن از شهروندان کشور در محل‌های اهدای خون، همبستگی و عشق بی‌پایان آن‌ها را به آزادی و آینده درخشان به تصویر می‌کشید. مردم در حقیقت با این حضور گسترده نشان دادند که اگر اراده نیرومند برای مقابله با دشمنان وجود داشته باشد، از آن پشتیبانی می‌کنند. این یک فرصت بی‌نظیر برای از سرگیری دور تازه‌ی از تحکیم رابطه مردم با دولت است که باید از آن به‌خوبی در جهت مبارزه با تروریسم و خشونت‌طلبی استفاده کرد.

شب قبل از حادثه خونین کابل، ارگ ریاست‌جمهوری میزبان گردهمایی اعضای هر سه قوه بود. پس از مدت‌های مدید، این فرصت به وجود آمده بود که هر سه قوه دولت در کنار هم قرار گیرند و برای طرح برنامه‌های مشترک با یکدیگر گفت‌وگو و رای‌زنی کنند. به باور بسیاری از شرکت‌کنندگان که من نیز جزو آن‌ها بودم، رهبران دولت وحدت ملی به بسیاری از ابهام‌ها در سیاست‌های کلان کشور پایان دادند. در این نشست، اعضای مجلس نمایندگان به صورت قاطع از قوه مجریه خواهان برخورد جدی با عاملان جنگ و ترور در کشور شدند و برخی سیاست‌های دولت را به تیغ نقد و انتقاد کشیدند. رییس‌جمهوری در این نشست، از اقدام‌هایی صحبت کرد که طی یک سال گذشته در جهت ارتقای وجهه دولت وحدت ملی در سطح ملی و بین‌المللی اتخاذ شده است. رییس‌جمهوری در این نشست گفت: رهبران دولت با مساعی تمام موفق شدند یک بار دیگر رابطه افغانستان با جهان را تأمین کنند و حالا کشورهای جهان از

سخن‌ماندگار واکنش‌ها به کجا منجر می‌شود؟

وزارت داخله اعلام کرده که وظایف مسولین حوزه اول امنیتی شهر کابل را در ارتباط با حمله انتحاری روز سه‌شنبه گذشته، به حالت تعلیق درآورده و به پولیس هدایت داده که از این مسولین تحقیق کند که چگونه حادثه روز سه‌شنبه هفته گذشته رخ داده است. این در حالی است که خبرهایی از دست داشتن برخی از افراد در رویداد هفته گذشته کابل به رسانه‌ها و صفحه‌های اجتماعی درز کرده است. واکنش ریاست‌جمهوری هم در برابر طالبان بعد از حمله روز سه‌شنبه بسیار جدی بود. رییس‌جمهور غنی گفت: «ما تا حال اراده کشتن شما را نداشتیم، شما ما را مجبور ساختید... می‌دانید به کی کار می‌کنید؟ به دشمنان افغانستان. می‌دانید که آلت دست کی هستید؟... یک بار سر به گریبان کنید و فکر کنید!»

اما باید دیده شود که این واکنش‌ها در مقام عمل به کجاها منتهی می‌شود؛ آیا به برکناری و تحقیق کوتاهی از مسولان حوزه اول امنیتی بسنده خواهد شد و یا این که این بار رییس‌جمهوری تصمیم برخورد قاطع نظامی با طالبان را دارد؟

هرچند این نوع موضع‌گیری برای نخستین بار از آقای غنی تبارز یافته است، اما در عمل دیده می‌شود که برخی از مقام‌های ارشد دولتی از طالبان حمایت می‌کنند و بدتر از همه این که حالا گفته می‌شود که در حمله هفته گذشته، شماری از افراد مشخص نیز دست داشته‌اند.

به هر صورت، موضع‌گیری اخیر ریاست‌جمهوری قابل ستایش است، ولی مردم در صورتی آن را درست و به‌جا می‌دانند که این واکنش‌ها در میدان عمل به ظهور برسند؛ یعنی این که آیا رییس‌جمهوری بر دست‌های کسانی که در پشت رویداد فاجعه‌بار روز سه‌شنبه قرار دارند، زولانه می‌زند و سیاست‌های قاطع و جدیدی را در برابر طالبان و حامیان آن‌ها روی دست می‌گیرد و یا این که پس از چندی، طالبان و حامیان‌شان به سان گلاب منگل، به مقام‌های ارشد دولتی نصب و عزیز دل رییس‌جمهور می‌شوند؟

ما بارها گفتیم که موفقیت طالبان در چنین حملاتی، بدون حمایت حلقه‌ها و نیروهایی در کابل و داخل نهادهای سیاسی و امنیتی کشور ممکن نیست و بارها گفتیم که افرادی سرشناس و مهم در پشت حمله‌های طالبان بر مواضع و مراکز مهم کشور قرار دارند. ولی هر بار هر فرد مسوولی که به همکاری با تروریستان متهم شده، نه تنها معزول و محکوم نگشته، بلکه به مناصب و مدارج عالی تر رسیده است.

اما رویداد سه‌شنبه گذشته و آنچه پس از آن پیرامون این فاجعه در رسانه‌ها و صفحات اجتماعی منتشر شد، نشان داد که افراد و حلقه‌های مشخصی در پشت این حمله قرار داشته‌اند و حالا باید تحقیقات و بازپرسی‌های قاطع، همه چیز را مشخص کند. اما بدبختانه مردم افغانستان تا کنون شاهد هیچ تحقیق و نتیجه‌گیری جدی‌یی نبوده‌اند و همه تحقیقات درباره موضوعات مهم، در نیمه راه محو و مغشوش گشته‌اند. شاید این بار نیز هیأت حقیقت‌یاب بخواهد حرف‌هایی مهندسی شده و ناخالص را که با اصل حقیقت فرسنگ‌ها فاصله دارد، به مردم تحویل دهد و بعد سر و ته قضیه را بهم بدوزد؛ اما نظر به واکنش‌های رییس‌جمهوری این بار انتظار می‌رود که آقای غنی جدیت و وطن‌دوستی‌اش را در عمل نشان بدهد، هر حرف و داستانی را نپذیرد و این رویداد فاجعه‌بار و بزرگ را به گونه راستین بررسی کند و بر اساس آن، برنامه‌ها و سیاست‌های نوی را در قبال طالبان و ستون پنجم آن‌ها روی دست بگیرد. انتظار و پیشنهاد دیگر ما به رییس‌جمهور این است که مسولان نهاد امنیتی حفاظت از رجال برجسته را نیز به دلیل بی‌کفایتی و عدم درایت کاری و مسلکی، از کار برکنار کند و به جای آنان، افراد صادق و خدمت‌گزار به وطن را به معرفی بگیرد.

صلح با دشمنان سخن گفت و همچنان به مساعی در این جهت ادامه داد؟ بدون شک باید نسبت به چنین سیاست‌هایی بازنگری صورت گیرد و سیاست‌های واقع‌گرایانه‌تری برای تأمین امنیت و اعتماد مردم به اقدام‌های دولت برداشته شود. طالبان با حمله‌های مسلحانه و جنگ با مردم افغانستان، عملاً به صلح پاسخ منفی داده‌اند. این فرصت باید به همبستگی ملی در میان آحاد مردم تبدیل شود. حالا دیگر نباید زمان را با دامن زدن به اختلافات سلیقه‌یی و نقد و انتقادهای بدون ثمر از دست داد.

همه در یک کشتی سواریم و اگر این کشتی به سلامت به ساحل نجات نرسد، بدون شک همه ضرر خواهند کرد. شورای ملی آماده است که از سیاست‌های جدید دولت در مقابله با هراس‌افکنی حمایت بی‌دریغ کند. اما در قوه مجریه نیز به همان میزان باید اراده سیاسی برای برداشتن گام‌های موثر به وجود آید. ما نیاز داریم که در برابر دشمنان خود، چه گروه‌های شورشی و خشونت‌طلب و چه کشورهای حامی آن‌ها، با یک صدا پاسخ دهیم. من به عنوان عضوی از شورای ملی کشور، از همه گروه‌ها و جریان‌های سیاسی کشور می‌خواهم که صادقانه در کنار هم قرار گیرند و به مشتی واحد برای افغانستان تبدیل شوند.

فرصت به دست آمده نباید با تلاش‌های بدون نتیجه به هدر داده شود. مردم منتظر اقدام‌های متهورانه و نیرومندند. آن‌ها از نیروهای شجاع امنیتی خود حمایت می‌کنند. بیایید به صدایی واحد برای افغانستان آباد، آزاد و سربلند تبدیل شویم.

افغانستان حمایت می‌کنند. آقای غنی گفت که در طول چهارده سال، هیچ تعریفی از دشمن ارایه نشده بود، ولی دولت وحدت ملی موفق شد که تعریف روشنی از دوست و دشمن به دست دهد.

به گفته آقای غنی، در کنفرانس روسیه، او به وضاحت به رؤسای جمهور روسیه، ازبکستان، تاجکستان و به‌خصوص پاکستان گفته است که تروریستان از کشورهای شما به افغانستان می‌آیند. آقای غنی گفت که یک کشور برای افغانستان گندم می‌فرستد ولی یک کشور دیگر تروریست صادر می‌کند. آقای غنی در بخش دیگری از سخنرانی خود، به اجماع جهانی در مورد حقانیت مواضع افغانستان در مذاکرات صلح اشاره کرد. او گفت که دولت وحدت ملی موفق شد که جهان را متوجه خطر تروریسم سازد و پناهگاه‌های امن آن‌ها را نشان دهد. آقای غنی گفت که دولت افغانستان اعلام کرد که جهان باید نخست به این نتیجه برسد که کی‌ها صلح نمی‌خواهند و در قدم دوم با کسانی که مخالف صلح‌اند، مبارزه مسلحانه انجام دهد.

رییس‌جمهور غنی در بخش دیگری از سخنرانی خود، به مواضع دولت در دفاع از شهرها و ولایات اشاره کرد و گفت که هرگز دولت در رابطه با پاسداری از جان، مال و شرف مردم کوتاهی نکرده است و هر روز نیروهای امنیتی کشور در این راه متحمل قربانی می‌شوند. او از همه و به‌خصوص اعضای شورای ملی خواست که در حمایت و پشتیبانی از نیروهای امنیتی، از هیچ‌گونه سعی و تلاش دریغ نوزند.

اما چند ساعت پس از این دیدار، دشمنان کشور فاجعه آفریدند و مردم را به داغ عزیزان‌شان نشاناند. آیا باز هم می‌توان از

رشد افراط‌گرایی و بی‌برنامه‌گی دولت

محمد محق پژوهش‌گر مسایل دینی و مشاور رییس‌جمهورو از سخنرانان اصلی این نشست، گفت: داشتن نیروی جوان در یک جامعه هم می‌تواند یک فرصت باشد و هم یک چالش، سن و سال جوانی فرصتی است که مستعد گرایش به جریان‌های پُرهیجان است، جوانی موقعی است که فرد به دنبال پیدا کردن شخصیت خود است.

آقای محق اضافه کرد: فرد در این موقع تجربه سنی و عمر اندک، اما انرژی فراوان، آرزوها و چشم‌اندازهای بسیار بلندی را در ذهن می‌داشته باشد. آماده‌گی ذهنی و روانی در جوانان آن‌ها را مستعد می‌سازد تا جذب ایدئولوژی‌ها و جریان‌های پُرسروصدا و گرایش‌های فکری شود که به او الهام بخش باشد. آقای محق افزود: این‌که بخشی از جوانان ما در محیط‌های دانشگاهی و بیرون از آن، به‌ویژه روستاهای دوردست تحت تأثیر گروه‌های افراطی و خشونت‌گرا قرار می‌گیرند، یک دلیل‌اش بر می‌گردد به وضعیت روحی، روانی و ذهنی نسل جوان که تا حدودی طبیعی است.

به باور این استاد دانشگاه، توهماتی که در قالب افکار و ایده‌ها به ذهن جوانان ما راه پیدا می‌کند با بخشی از روحیات هیجانی‌شان هم‌خوانی دارد و این مشکلی است که اگر جدی گرفته نشود و به شعارهای این‌که خشونت محکوم است اکتفا شود، حل نخواهد شد.

این پژوهشگر مسایل دینی نقش خانواده در این‌که جوان خود را به سمت اعتدال سوق بدهد و یا تشنج‌گرایی بسیار مهم و انکار ناپذیر دانسته بیان داشت: «اگر خانواده آغوش گرم و با عاطفه داشته باشد و جوان از لحاظ عاطفی در آغوش خانواده اشبه شود، کم‌تر زمینه مساعد خواهد شد تا برای یافتن یک پناهگاه عاطفی به‌سوی یک جماعت و گروه بیرون از خانواده رو بیاورد، زیرا یک تعداد از این جوانان با کم‌بود عاطفه مواجه‌اند و در

طالبان. او افزود: یک بخشی بزرگ دین مبین اسلام صداقت، راست‌گویی، به‌دیگران مهربان و به جامعه مفید بودن است که این خصوصیات را در گروه‌های که به اصطلاح خلافت‌خواه دیده نمی‌شود مردم را می‌کشند به دیگران حق گفتن را نمی‌دهند.

این عضو مجلس اضافه کرد: «اهداف سیاسی بخش مهمی از افراطیت است، زمانی که فرقه یا گروهی از حاکمیت محروم می‌شود و به قدرت سیاسی نمی‌رسد، دست به ساختن گروه‌های خشونت‌گرا و افراطی را می‌زند، ولی هدف غایی‌شان رسیدن به قدرت سیاسی است و بس؛ اگر هزاران تن انسان هم از بین بروند، برای‌شان تفاوتی نمی‌کند.

آقای زکریا بیان داشت: باور این گروه‌های به این است که کشتن، قضاوت‌کردن و تعیین تکلیف‌کردن به دیگران برای‌شان جایز و از اصالت‌های‌شان است، اما درس‌خواندن تحصیل کردن و به کشور خود خدمت کردن برای مردم جایز نیست.

در سویی دیگر، علی امیری دین‌پژوه و استاد دانشگاه و چهره‌ی که چندین کتاب در پیوند به فراموشی و خواب شدن خرد در جهان اسلام نوشته است، در این برنامه بیان کرد: افراط‌گرایی به حیث یک واقعیت فرهنگی-سیاسی و تاریخی در جامعه ما است، ما مکرراً از افراط‌گرایی صحبت می‌کنیم، گویا ما افراط‌گرا نیستیم و کسان دیگری افراط‌گرا هستند، که این کار به باور من یک نوع بد فهمی است.

آقای امیری اظهار داشت: افراط‌گرایی یک وضعیت عمومی و همه‌گانی است که دو ویژه‌گی دارد و بسته به این‌که این دو ویژه‌گی‌ها در کدام بخش جامعه و در کدام شخص بیشتر باشد که ما با این بیماری مبتلا هستیم.

این استاد دانشگاه اضافه کرد: «برای مبارزه با افراط‌گرایی در قدم



اجتماع مدنی و فرهنگی جوانان افغانستان
کنفرانس
نقش جوانان در مبارزه با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز
نه ناور می‌خواهی دگی بست بالی پر خلاف مبارزه کی د خوانانو ر
Conference on
Role of Youth in Countering Violent Extremism
April 21 April 2016
پنجشنبه ۲ ثور
کابل، افغانستان

خانواده‌ها به شخصیت‌شان اهمیت داده نمی‌شود». این پژوهش‌گر دینی آموزش و پرورش را عامل دیگر جذب جوانان به گروه‌های افراطی و خشونت‌گرا عنوان کرده‌است. مشکلات ناشی از سیستم ضعیف و ناکام آموزشی در کشور ابعاد گوناگونی دارد که یکی از آن رشد آزارسان افراط‌گرایی است.

آقای محق افزود: سیستم آموزشی ما توان باسواد ساختن جوانان را ندارد، جوان از مکتب فارغ شده و راهی دانشگاه شده است، اما هنوز در مرحله املا و انشا یک هزار عیب و مشکل دارد، در این کار مقصر شاگرد نیست، بلکه سیستم نادرست و ضعیفی است که در مدت دوازده سال نتوانست شاگرد را تنها نوشتن درست را یاد بدهد، بنا اساساً نهاد آموزش در افغانستان باید مورد پرسش قرار بگیرد.

او تصریح کرد: مشکل دیگر اما این است که در کشور ما پرسش‌گری به معنای بی‌ادبی تلقی می‌شود و اصل به این است که فرد باید سر به‌راه و مطیع باشد و هرچه برایش گفته شود، گوش کند و دوباره در پایان سال تمام گفته‌های ما را روی ورق بریزد و برای ما تحویل دهد، در حالی که در کشورهای دیگر از نکاتی که بسیار به آن تأکید صورت می‌گیرد، تفکر انتقادی است و این تفکر از سنین پایین آغاز می‌شود.

در این حال، زکریا زکریا عضو مجلس نماینده‌گان از سخنرانان دیگر این نشست‌اظهار کرد: زمانی که اختلافات سیاسی در یک جامعه به وجود می‌آید و منازعات سیاسی در آن به شکل درست آن حل نمی‌گردد، گروه‌ها به افراطیت رو می‌آورند. به بیان این عضو مجلس، جوانان باید در مقابل اشخاص ذگم‌اندیش و خشونت‌طلب از سلاح خرد و قضاوت معقول‌کار بگیرند و این راه‌کار خوبی برای نجات بشریت و مردم افغانستان باشد.

به باور آقای زکریا، اصول‌گرایان و گروه‌های به ظاهر اسلامی از خود نیت نیکی نشان می‌دهند، از عملکردهای خوب گذشته‌گان‌مثال می‌دهند و خودشان را به آن‌ها می‌چسبانند، اما در نیت و عمل به چیزهای دیگری چشم دوخته‌اند که تنها همان نیت‌های درونی و شومی که دارند برای‌شان مهم است، مانند

این پژوهش‌گر دینی اظهار داشت: از لحاظ تاریخی پدیده افراط‌گرایی بر می‌گردد به این‌که ما نسبت‌مان را به گذشته و مسلمانی را که در گذشته درک می‌کردیم درک نمی‌کنیم، امام ابوحنیفه فتوا می‌داد که هرکه رو به قبله نماز بخواند، مسلمان است، ما امروزه مثل آب خوردن فتوی تقلب یک مسلمان صادر می‌شود و این به آن معنی است که واقعتاً اکنون با واقعتاً گذشته پیوند ندارد و شکاف میان گذشته و اکنون ایجاد شده است.

به بیان او: از قرن هشت به بعد انحطاط بر جهان اسلام مستولی‌شده است در این زمان تولید علم و دانش در جهان اسلام متوقف مراکز علمی بسته می‌شود، تا بلاخره در قرن نوزدهم جهان اسلام در

یک انحطاط وحشت‌ناکی به سر می‌برد. آقای امیری افزود: در این انحطاط است که چارچوب فرهنگی مسلمانان از میان می‌رود و فعلاً هم یک چارچوب فرهنگی مشخص نداریم، در این صورت به دلیل این‌که چیزی از گذشته به ما منتقل نشده استخوانان و ذهن‌شان زمینه می‌شود برای رقابت ایدئولوژی‌های مختلف.

آقای امیری با انتقاد از نبود سیستم آموزشی درست در کشور تصریح کرد: وظیفه آموزش و پرورش در قدم نخست انتقال است، غایت هر نوع نظام آموزش و پرورش این است که توانایی‌های آدمی به فعلیت برسد، اما در کشور ما این فعلیت‌ها سرکوب می‌شود.

هم‌چنان، حمیرا ثاقب عضو جامعه مدنی افغانستان در این نشست در مورد شرایط ظهور افراط‌گرایی گفت: برای از میان برداشتن افراط‌گرایی در کشور، نخست نیاز است تا شرایط کشور را آسیب‌شناسی شود که چرا اجتماع افغانستان بستر مناسب برای پرورش افراطیت است و بعداً اقدامات لازم انجام شود.

محرومیت، اقلیت‌های قومی، بی‌یکاری، بی‌سوادی و همچنان پالیسی‌های خام دولت و جامعه بین‌المللی از مواردی است که به باور بانو ثاقب سبب جذب شدن جوانان افغانستان را به گروه‌های افراطی را آسان می‌سازد.

او گفت: در افغانستان مباحث دینی تیکه‌دارن خاص خود را دارد و میان کسانی که در مدارس دینی و کسانی که در دانشگاه‌ها درس می‌خوانند، بسیار تفاوت عمیق و ژرفی وجود دارد، نهادهای مدنی بارها این مسأله را با وزارت معارف و حج و اوقاف مطرح کردند تا نصاب درسی مدارس دینی بازبینی گردد، اما به آن وقیعی گذاشته‌شند.

چه باید کرد عبدالصمد حکیمی، رییس نهاد جامعه شهروندان افغانستان در این زمینه بیان داشت: تا زمانی که به معارف و اصلاح نظام آموزشی آن تلاش نکنیم، ممکن نیست افراطیت را در کشور ریشه‌کن کنیم.

ایجاد مراکز آموزشی با توجه به ارزش‌های دینی، فرهنگی و با منافع اجتماعی مردم در روستاها و مناطق دور از پایتخت از راه‌های موثر دیگری است که رییس این نهاد به آن انگشت می‌گذارد.

آقای حکیمی همچنان اضافه کرد، تا زمانی که تغییر در تفکر به وجود نیاید، نابسامانی‌ها و نا برابری‌ها در کشور وجود خواهد داشت و برای از میان برداشتن ریشه‌های مستحکم کهنه‌اندیشی باید جامعه باسواد شود و مردم به آگاهی برسند.

در عین حال، محمد محق پژوهشگر مسایل دینی به باور است، یکی از کارهای که لازم است انجام شود این است که خانواده، جامعه و حکومت باید نیازهای روحی و روانی نسل جوان را در نظر بگیرند و متناسب به آن رویکردهای خود را تنظیم کنند. علی امیری دین‌پژوه و استاد دانشگاهی‌گوید: اگر می‌خواهیم مبارزه واقعی و کارزار جدیدر برابر افراط‌گرایی را در جامعه راه اندازی کنیم، در قدم نخست تحلیل خود را از وضعیت افراطیت روشن بسازیم.

آقای امیری گفت، دولت نمی‌تواند شکافی که میان گذشته و حال به میان آمده است را پُر کند، چرا که این دولت بر اثر الزامات خارجی به میان آمده و از دل مشکلات، تعاملات و پیچیده‌گی‌ها اجتماعی سر بر نیاورده است، اما باید از شکاف‌های که میان حال و گذشته وجود دارد آگاه شویم و درک کنیم که چطور این شکاف به وجود آمده، حال ما با گذشته چه نسبتی دارد و واقعا ما ادامه گذشته هستیم یا نه.

او اضافه کرد: اگر ما با مسأله نسبت ما با گذشته آگاهی نسبی پیدا کنیم و این آگاهی عام شود، آهسته آهسته از الگوی افراطی که داریم فاصله می‌گیریم چون مسأله افراطیت و ظهور جریان‌های افراطی در جهان اسلام کاملاً پدیده فرهنگی-تاریخی است نه سیاسی، دولت‌ها نمی‌توانند در این مورد کاری از پیش ببرند.

بانو حمیرا ثاقب فعال جامعه مدنی بیان داشت: ما نیاز به آگاهی و بسج همه‌گانی در برابر افراط‌گرایی و خشونت‌پروری با مکانیسم درست نیاز داریم، در کنار آن، یک جنبش دانشجویی در هم‌آهنگی با جامعه مدنی و رسانه‌ها برنامه و هدف مشخص در برابر تروریسم باید ایجاد شود و از این طریق دولت را وادار به شناسایی و از میان برداشتن این گروه‌ها کنیم.

به باور بانو ثاقب: دانشمندان و قلم به دستان کشور نیز باید با پژوهش‌های‌شان جامعه و رشد افراط‌گرایی را آسیب‌شناسی کنند، در این زمینه دست به چاپ و نشر کتاب‌های مفید و ارزش‌مند بزنند تا از این طریق، هم برای شهروندان آگاهی‌دهی صورت گیرد و هم اصالت نویسنده‌گی‌شان به‌جا گردد.

او تصریح کرد: باید از رسانه‌های تصویری، صوتی، چاپی و اجتماعی استفاده زیادی ببریم، چون تأثیر آن بالای افکار جامعه بسیار زیاد است و می‌تواند شرم‌بخش‌تر از هر چیز دیگری باشد. او گفت: برنامه‌های درسی که در درون زندان‌های افغانستان به زندانیان داده می‌شود نیز نیاز بسیار جدی به بازبینی دارد، چون ما در گذشته شاهد بودیم که وقتی زندانی از زندان بیرون شده اند به‌جای این‌که از گذشته خود پشیمان باشد، برعکس دوباره خشن‌تر و افراطی‌تر عمل کرده است.

این نشست‌با طرح پرسش و پاسخ میان اشتراک‌کننده‌گان و مهمانان و پخش اعلامیه‌یی به پایان رسید. در بخشی از این اعلامیه آمده است که افراط‌گرایان اکثرًا از شرایط اجتماعی، اقتصادی و آسیب‌پذیری‌های افرادی بهره‌برداری می‌کنند، تا جوانان را استخدام کنند و با ایجاد انگیزه‌های خطرناک، آن‌ها را علیه اعمال تخریب‌کارانه در جامعه تحریک کنند. بی‌با برای نیازمندی‌های اساسی جوانان نیاز است تا حکومت افغانستان استراتژی‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت شعلی، تحصیلی و آموزش‌شیرا تدوین و عملی کند تا جوانان بتوانند در امورات سیاسی، مدنی و اقتصادی کشور سهم بیشتر داشته باشند.

عباس نقاوت

این نوشته را با تمثیل دموکراسی به ساختمانی مجلل دنبال می‌کنیم. هر ساختمانی با گذاشتن سنگ تهداب کارش آغاز می‌شود. هر قدر سنگ تهداب نسبت به سنگ‌های طبقات بالایی مستحکم‌تر باشد، ساختمان در مقابل بحران‌ها و زلزله‌ها مقاومت بیشتر خواهد داشت. متأسفانه سنگ تهداب دموکراسی در افغانستان، مستحکم نبوده و این امر خطر فروپاشی دموکراسی در مقابل بحران‌ها را افزایش می‌دهد.

به تعبیر جامعه‌شناسی سیاسی، توسعه از بالا نتیجه نمی‌دهد، بایست از پایین آغاز گردد. دموکراسی در کشورهای غربی، دارای ریشه تاریخی است و ثبات سیاسی پایدار به ارمغان آورده است. ورود دموکراسی به کشورهای پیرامون نیز بدون مقدمه نبوده، به وسیله روشن‌فکران و تحصیل‌کرده‌گان تهداب‌گذاری شده و حداقل هواخواهان خود را داشته است.

دموکراسی نوظهور در افغانستان مانند مارکسیسم، قبل از آن‌که جا باز کند، با خطر انهدام مواجه است؛ زیرا تهداب مستحکم ندارد و بدون مقدمه وارد شده است. مستحکم شدن و ریشه گرفتن دموکراسی در افغانستان به ادبیات دموکراتیک نیازمند است. فضای عمومی افغانستان را ادبیات متنفرانه علیه دموکراسی اشغال کرده است. این ادبیات بیش از آن‌که از سر فهم باشند، از عدم درک دموکراسی ناشی می‌شود. مباحث هواخواهانه دموکراسی چون مانع دموکراسی، عدم شکل‌گیری طبقه متوسط برای حمایت از دموکراسی و غیره، اکثراً مباحثی است که در فضای فکری کشورهایایی که تجربه دموکراسی دارند، مطرح گردیده و برای ما راهگشا نیست. طبقه متوسط که فکر ضد دموکراتیک داشته باشد، حامی دموکراسی بوده نمی‌تواند. چالش دموکراسی در این سرزمین بیش از همه، چالش و بحران معرفت‌شناسی دموکراسی است. این‌جا کوشش می‌کنم به ریشه‌های معرفت‌شناسی و سرچشمه‌های فکری‌یی که دموکراسی از آن تغذیه می‌شود، اشاره کنم.

هرچند دموکراسی از سرچشمه‌ها و جریان‌های فکری گوناگون آب حیات می‌گیرد، ولی به نظر می‌رسد سنگ بنای نظری شکل‌گیری دولت‌های دموکراتیک در فلسفه سیاسی غرب، منوط به اندیشه اصحاب قرارداد اجتماعی است. در ذیل به اندیشه‌های سیاسی اصحاب قرارداد اجتماعی، سپس مسأله سازگاری آن‌ها در افغانستان اشاره می‌کنیم.

قرارداد اجتماعی

توماس هابز با نوشتن کتاب "لویاتان" در تاریخ فلسفه سیاسی جایگاهی بلندی را به خود اختصاص داده است. به نظر هابز، تا زمانی که دولت تأسیس نشده بود، هیچ‌گونه نظم و قانونی بر رفتار انسان حاکم نبوده. او این وضعیت را "وضع طبیعی" می‌نامد. از نظر هابز، وضع طبیعی وضعیت ناامنی دائمی، جنگ بی‌پایان و سوءظن دائمی است. یعنی انسان گرگ انسان است و جنگ همه علیه همه جریان دارد. "آکتون آشکار است زمانی که یک قدرت مشترک وجود نداشته باشد که آدمیان از آن حساب برند، مردم در حالتی زنده‌گی می‌کنند که حالت جنگ خوانده می‌شود، و در چنین وضعی جنگ همه بر ضد همه پدید خواهد آمد... در چنین وضعی محلی برای صنعت وجود ندارد... هیچ فرهنگی روی زمین پدید نمی‌آید... نه هنری وجود خواهد داشت و نه کتابی، و نه اجتماعی؛ و بدتر از همه، هراس دایم از خطر مرگ خشونت‌آمیز همواره در دل او خواهد بود؛ و زنده‌گی آدمی، تنها و مسکنت‌بار و ددمشانه و کوتاه خواهد بود. (خداوندان اندیشه سیاسی، ویلیام توماس جونز، ۷۲۲)

انسان به کمک و یاری عقل، از وضع طبیعی عبور کرده و با بستن قرارداد اجتماعی، دولت را تشکیل می‌دهد. قرارداد اجتماعی هابز چنین بسته

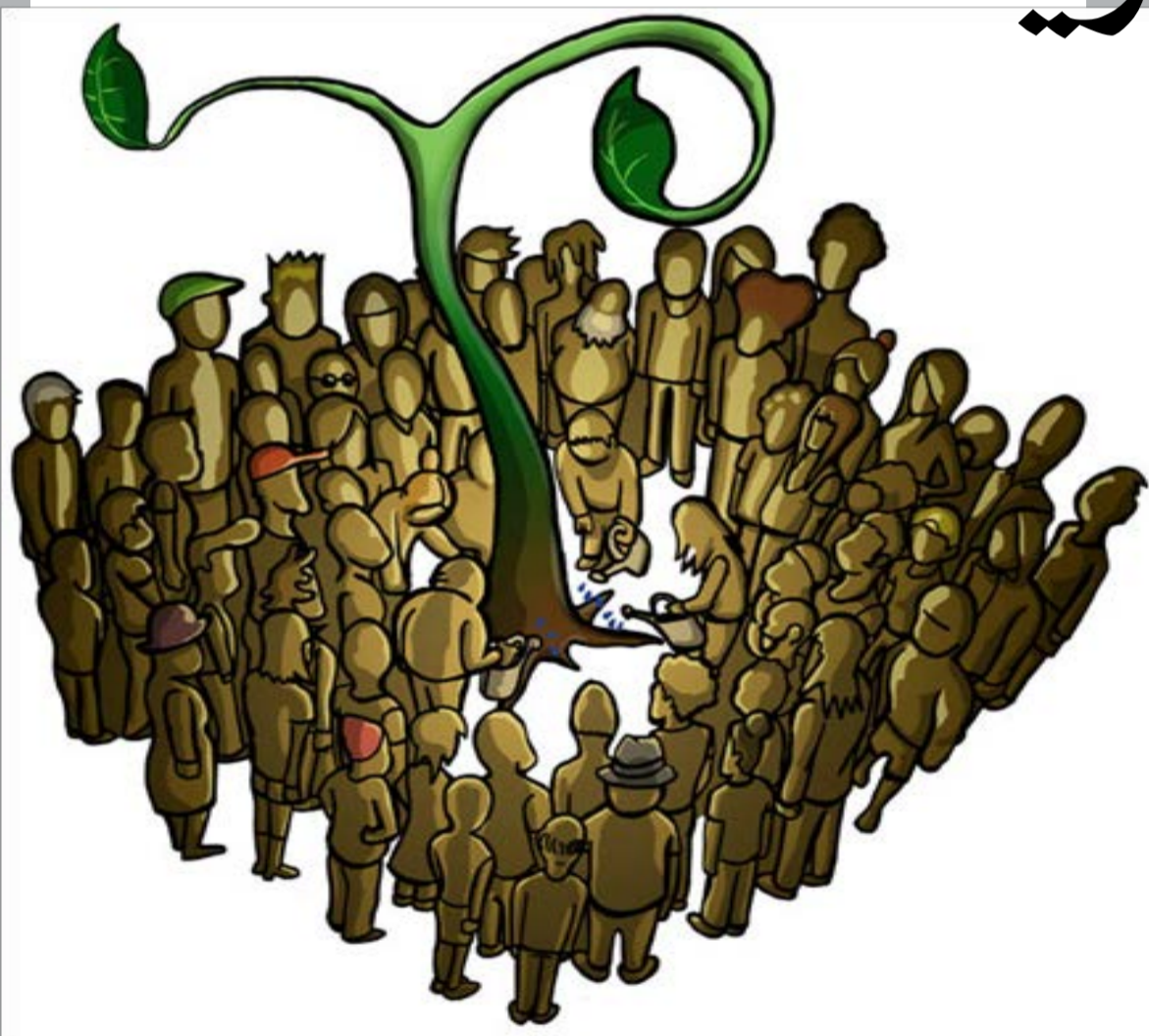
می‌شود که "گویی هرکس به دیگری گفت من حق حکمرانی خود را به این مرد یا به این مجمع مردان وامی‌گذارم و او یا آن‌ها را مجاز می‌گردانم به این شرط که تو هم حق خود را به او واگذاری و همه اقدامات او را مانند من مجاز بدانی." (تاریخ فلسفه سیاسی غرب، عبدالرحمان عالم، ۲۴۴) از آن‌جایی که طرف قرارداد هابز حاکم نیست، به طور اتوماتیک با بستن این قرارداد، دولت مطلقه شکل می‌گیرد که هابز از آن به لویاتان تعبیر می‌کند.

جان لاک که مشهور به پدر لیبرالیسم است، یکی دیگر از اندیشمندان اصحاب قرارداد اجتماعی به شمار می‌رود. اندیشه‌های سیاسی لاک در کتابی "دو رساله در باب حکومت مدنی" وی درج شده است. لاک نیز فلسفه سیاسی خود را مانند هابز از وضعیت طبیعی آغاز می‌کند. اما برخلاف هابز بدین باور است که "وضع طبیعی، وضع آزادی است، نمی‌تواند وضع افسارگسیخته‌گی باشد...

در مرحله اول، جامعه مدنی و در مرحله دوم دولت تشکیل می‌شود. در یک طرف قرارداد اجتماعی لاک حاکم نیز قرار دارد؛ بدین سان، حاکم اقتدار بی‌نهایت و مطلقه ندارد (همان، ۲۷۹). پیامد قرارداد اجتماعی لاک، ایجاد دولت مشروطه است.

ژان ژاک روسو نیز با نوشتن کتابی تحت نام "قرارداد اجتماعی" در ذیل اندیشمندان قرارداد اجتماعی جا می‌گیرد. گرچند اندیشه‌های وی فاصله‌های فراوان با لاک و هابز دارد. در نظر روسو، وضع طبیعی وضعیت آزادی و برابری است. "انسان آزاد زاده می‌شود ولی در همه جا در بند است" اما اثر افزایش نفوس و پیدایش مالکیت خصوصی، انسان‌ها با عقد قرارداد اجتماعی و تشکیل دولت در پی بازگشت به وضع طبیعی یا رسیدن به همان آزادی و برابری اولیه اند. یعنی در قرارداد اجتماعی روسو، دولت مطلوب، دولتی است که باید آزادی و برابری اولیه را تأمین کند.

ریشه‌های معرفت‌شناسی دموکراسی



چنین معجزه‌یی با برقراری حاکمیت قانون که ناشی از اراده عمومی باشد، امکان‌پذیر می‌شود. از این سبب، روسو طرفدار دموکراسی‌های کوچک است. (همان، ۳۸۹-۳۴۸) تیوری قرارداد اجتماعی، دولت را امری تصنعی و ساخته اراده انسان می‌داند که در مقابل تیوری طبیعی و الهی دولت قرار می‌گیرد. بر اساس این تیوری نظم، قانون و دولت را بشر ساخته است. دولت و قانون امری قدسی نیست؛ بلکه ساخته بشر است و انسان می‌تواند به مرور زمان آن را تغییر و تبدیل کند. مفهوم قرارداد اجتماعی راه را برای رسیدن به حکومت‌های دموکراتیک هموار می‌کند. زیرا دموکراسی چیز نیست جز حکومت و قانونی که به وسیله مردم ساخته شده است و زمانی که قانونی دست‌وپا گیر شود و یا حاکمی مستبد شود،

وضع طبیعی قانونی دارد که بر آن حکومت می‌کند و همه افراد را موظف می‌سازد، و عقل که همان قانون طبیعت است، به همه این‌ها بشر که با آن به مصلحت می‌نشینند، می‌آموزد که همه برابر و مستقل‌اند و هیچ کس نباید به زنده‌گی و تندرستی، آزادی و اموال کسی دیگر صدمه وارد کند. (خداوندان اندیشه سیاسی، ویلیام جونز، ۸۱۱) اما این وضع برابر و آزادی تحت لوای قانون طبیعی، سه کمبودی مهم نیز داشت: اول، قانون نوشته نبود؛ دوم، قاضی بی‌طرف وجود نداشت؛ سوم، قوه اجرائیه وجود نداشت (تاریخ فلسفه سیاسی غرب، عبدالرحمان عالم، ۲۷۶) برای رفع این سه کمبود، بشر با بستن قرارداد اجتماعی اقدام به تشکیل جامعه مدنی و دولت نمود. قرارداد اجتماعی لاک برخلاف هابز شامل دو مرحله است.

مردم می‌توانند تغییرشان دهد. مشروعیت حاکم ناشی از مردم است و حاکم در مقابل مردم مسوول است. قرارداد اجتماعی ریشه‌های معرفت‌شناسی دموکراسی است، درخت دموکراسی از این فلسفه سیاسی آب حیات می‌گیرد. قرارداد اجتماعی، مشروعیت آسمانی و الهی را زمینی می‌کند و در مقابل تیوری قرارداد اجتماعی تیوری الهی دولت قرار می‌گیرد.

تیوری الهی دولت

بر اساس نظریه خاستگاه الهی دولت، دولت آفریده خداوند است. خداوند دولت را مقدر و مستقر کرده است. شاه نایب و نماینده خداست، و مردم باید از او اطاعت کنند و او را حرمت گزارند. در این جهان هیچ‌کس فراتر از فرمانروا نیست. فرمان او قانون است، و همه اعمال او به حق است. سرپیچی از فرمان فرمانروا، مخالفت با اراده الهی است، جنایت و گناه است. (بنیادهای علم سیاست، عبدالرحمان عالم، ۱۶۳) از نظر دین مبین اسلام نیز دولت خاستگاهی الهی دارد. از آیات متعدد قرآن کریم به خوبی آشکار می‌شود که "منشای دولت و حکومت در ابتدای امر بر اساس دستور و وحی خداوند بوده است (همان، ۱۶۵) از لحاظ تاریخی نیز "سرزمین حجاز که دین اسلام در آن‌جا شکل گرفت، پیش از پیدایش اسلام و تأسیس اجتماع مدینه، فاقد دولت بود. سامان سیاسی و اجتماعی در قالب قبیله شکل‌بندی شده بود. این منطقه که منطقه بی‌بیابانی و حایل بین امپراتوری روم و شاهنشاهی ایران بود، زیر نفوذ موثر هیچ‌یک از دولت‌های مجاور قرار نداشت. (اندیشه سیاسی در ایران و اسلام، کمال پولادی، ۴۶)

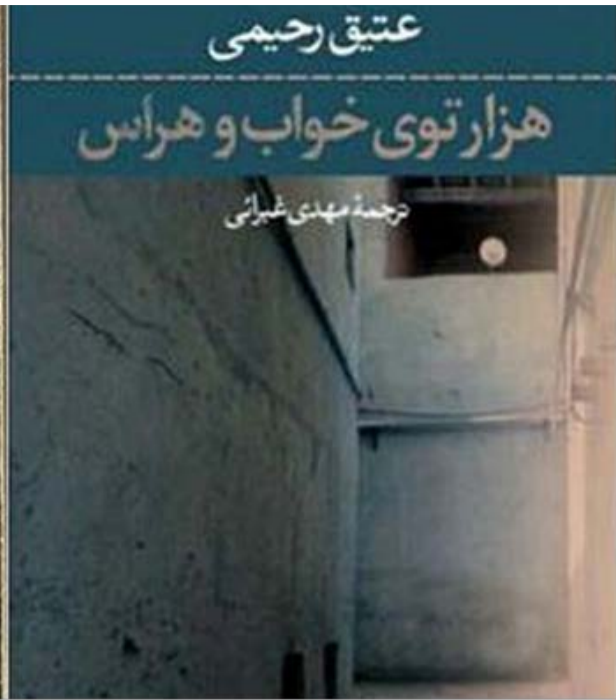
در یک مقایسه کوتاه چنین می‌توان نتیجه گرفت که بر اساس تیوری قرارداد اجتماعی؛ انسان در وضع طبیعی یعنی وضعیت جنگ همه علیه همه به سر می‌برد و به کمک و هدایت عقل با عقد قرارداد اجتماعی؛ دولت، قانون و نظم اجتماعی را ایجاد کرده است. پس دولت و قانون، امر الهی و قدسی نیست و هر زمان که بشر بخواهد، می‌تواند تغییر دهد. در تیوری الهی - اسلامی دولت نیز بشر ابتدا در وضع طبیعی به سر می‌برد، به اصطلاح هابزی، انسان گرگ انسان بود. جزیره‌العرب قبل از تشکیل دولت اسلامی، وضعیتی همانند توصیف وضع طبیعی هابز را داشت. نجات بشر از زنده‌گی جزیره‌العرب به کمک و یاری خداوند و با فرستادن پیامبرش حضرت محمد (ص) امکان‌پذیر می‌شود. در نتیجه، دولت و قانون آسمانی و الهی است، ساخته دست بشر نیست، و بشر در تغییر و تبدیل آن دست بالا ندارد. بر اساس نظریه قرارداد اجتماعی، انسان از وضعیت طبیعی و افسارگسیخته‌گی به هدایت عقل خویش نجات یافت؛ پس عقل هادی و راهنمای بشر است. اما بر اساس تیوری الهی - اسلامی وضعیت افسارگسیخته‌گی جزیره‌العرب به هدایت خداوند (ج) پایان یافته و به لطف ایزد منان، نظم و قانون بر بشر فرستاده شده است. قرارداد اجتماعی، پایه و ستون اصلی نظام‌های دموکراتیک را شکل می‌دهد؛ پایه‌هایی که انسان ساخته است و انسان می‌تواند آن را تغییر و تبدیل کند. اما تیوری الهی - اسلامی قانون و دولت را زاده امر قدسی می‌داند.

به نظر می‌رسد دموکراسی در کشورهای جهان اسلام از جمله افغانستان بدون پایه و ریشه است و خطر انهدام و فروپاشی آن فراوان است. ورود دموکراسی به کشورهای اسلامی و تلفیق دموکراسی با نظام‌های سیاسی اسلام به نظر می‌رسد یک ازدواج و تلفیق اجباری است. حال آن‌که پیش از ورد عملی دموکراسی، باید مباحث و راه‌حل تئوریک و پاسخ نظری آن آماده می‌شد. زیرا عملی که پشتوانه تیوریک مستحکم نداشته باشد، منجر به نتیجه شایان نمی‌شود. متأسفانه دموکراسی در افغانستان پایه‌های تیوریک مستحکم ندارد و خطر انهدام آن بسیار است. در جامعه و میان مردم به خوبی فهمیده می‌شود که دموکراسی غریب است و خریدار ندارد. پایداری دموکراسی در کشور، نیاز به پشتوانه تیوریک مستحکم دارد؛ امری که در ورود دموکراسی به افغانستان به فراموشی سپرده شده است.

پارسی دری



عزیز الله ایما



بسیار به شگفتی اندر شدم آن‌گاه که دیدم نویسنده و مترجمی که نیمی از هفتاد سال عمرش را در کار برگردانی و برگردان کتاب‌های پُرخواننده و رمان‌های برگزیده دنیا گذرانده‌است، نگاه ساده و نه ژرف به واژه‌ها و زبان داشته است. آشکار است که «هزارخانه»، «هزارتو» نیست و «اختناق»، «هراس». اگر «هزارخانه» را «هزارتو» بدانیم، پس واژه‌هایی چون «چهارخانه» را که در پارسی شطرنجی هم گفته شده است، می‌توان «چهارتو» گفت. اگر هم از چندوچون گویش‌های زبانی بگذریم، مگر در جایی از قلمرو پارسی «اختناق» را «هراس» هم گفته‌اند؟ شاید در گلوگیری اختناق هراسی باشد، اما همه اختناق را نمی‌توان هراس نامید و هراس را اختناق. وز خموشی اختناق است و سقم مولانای بلخ

دل هم رمیده است زما از هراس ما
بیدل

هرگز از مرگ نهراسیده‌ام

اگرچه دستاوردش از ابتدال شکننده‌تر بود هراس من -باری- همه از مردن در سرزمینی ست که مزد گورکن از آزادی آدمی افزون‌تر باشد احمد شاملو

گفتنی می‌دانم که نقش مترجمان در دگرگونی‌های ساختاری و نوشتاری زبان تا آن‌جاست که امروز در همه متن‌های ایرانی رد پای دوران ترجمه را می‌توان یافت. گاه مترجمان دستور و قاعده زبان‌های بیگانه را بی‌هیچ بنیادی به متن‌های نوشتاری پارسی آورده‌اند که رفته‌رفته راه در گویش و گفتار مردم باز کرده است. اثرات عصر ترجمه از زبان‌های اروپایی نه تنها در کاربرد فعل و به ویژه فعل کمکی «داشتن» روشن است، که گاه در ساخت و شکل‌گیری جمله‌های پارسی ایران نیز قابل ملاحظه می‌تواند باشد.

من برخلاف دوستانی که همگون‌نگاری به شیوه ایران را ارج می‌گذارند، باور دارم که منطق پیشنهاد درست‌نگاری انجمن نویسنده‌گان

افغانستان رساتر از فرهنگستان ایران است. این موضوع را جدا از چندوچون تولید و آفرینش ادبی در ایران و افغانستان که قابل مقایسه هم نیست، در نظر باید داشت.

اگر کسانی هم در ایران، مانند ماجراجویانی در افغانستان، دری را جدا از پارسی می‌دانند و نیازمند برگردانی و ترجمانی؛ نخست باید سری به شیراز بزنند، غزل‌های حافظ و شعرهای سعدی را با گلستان و بوستان ترجمه کنند، تا نوبت برسد به سمرقند و بلخ.

هزار بلبل دستاوردش عاشق را
بباید از تو سخن گفتن دری آموخت
سعدی

ز شعر دلکش حافظ کسی شود آگه
که لطف طبع و سخن گفتن دری داند
حافظ

صفات روی او آسان بود مرا گفتن
گهی به لفظ دری و گهی به شعر دری
سوزنی سمرقندی

من آنم که در پای خوکان نریزم
مر این قیسمتی در لفظ دری را
ناصر خسرو بلخی

پارسی دری فقط و فقط یک زبان است و مانند همه زبان‌های دنیا دارای گویش‌های گوناگون محلی. آن‌گونه که بوعلی سینا گفته‌است: «...که باید مر خادمان مجلس وی را کتابی تصنیف کنم به پارسی دری» و فردوسی:

بفرمود تا پارسی دری
نباشند کوتاه شد داوری

خوشحال خان ختک شاعر مشهور زبان پشتو هم بارها از زبان پارسی دری یاد کرده است: آفرین ای ختک به نظم دری پیش ارباب فضل منظوری و:

په پارسی ژبه که نور تر ما بهتر دی
په پشتو ژبه می مغواره مثال

متأسفانه در فضای ادبی امروز یک نوع بده بستان دوستانه حاکم است که به انحای مختلف می‌توان بازتاب آن را در نوشته‌ها و نقدهای ادبی دید. در واقع در غیاب منتقدان حرفه‌ای، بسیاری از نویسنده‌گان به شکلی ذوقی وظیفه نوشتن درباره آثار منتشر شده را برعهده گرفته‌اند. بنابراین - فارغ از سطح کیفی این نقدها - در موارد بسیاری شاهدیم که این نویسنده‌گان بر اساس روابط دوستانه یا گاهی هم خصمانه، به میدان آمده و اگر در گذشته از کسی تعریفی شنیده‌اند یا انتقادی تند، می‌کوشند به همان شکل پاسخ گویند. البته در این میان، بازار تکه و پاره کردن تعریف و تعارف داغ‌تر است. عمده این نقدها نیز یا در فضای مجازی یا در همان نشریاتی که چون حق تالیفی پرداخت نمی‌کنند ناچار اند به تنها به مطالب رسیده اکتفا کنند، منتشر می‌شود. بنابراین، فراوان اند مواردی که شاهد انتشار مطالب متعددی درباره یک اثر متوسط یا زیر متوسط هستیم که نویسنده‌اش از مناسبات و روابط عمومی خوبی در فضای ادبی برخوردار است و اما در همان حال، نویسنده دیگری که اثر بهتری ارائه کرده، چون در خلوت خود و به دور از این روابط کار می‌کند، اثرش مهجور مانده یا بازتابی متناسب با ارزش واقعی خود پیدا نمی‌کند. البته ماجرا مفصل‌تر از این است و از جنبه‌های دیگر نیز برخوردار است، اما ما مجبوریم که بحث را با ذکر این نکته که «نقد ادبی در این روزگار به شدت نیازمند یک آسیب‌شناسی جدی است»؛ تمام کنیم.

منبع: تبیان

بد نقد کنی، بد نقد می‌کنم!

مضمون اثر، نقد به شمار آید. این مساله صرفاً ویژه فضای مجازی نبود، در پاره‌یی از نشریات به‌خصوص آن‌ها که اسم و رسمی ندارند (تا نوشتن در آن‌ها اعتباری باشد و نه حق تالیفی پرداخت می‌کنند که انتظار مطالب باکیفیت را داشته باشند)، به وضوح قابل مشاهده است؛ چرا که این نشریات وابسته‌اند به مطالب رسیده یا دوستانه و نه حاصل سفارش به منتقدی حرفه‌ای. فارغ از سطح کیفی نقدها، در موارد بسیاری شاهدیم که برخی از نویسنده‌گان بر اساس روابط دوستانه یا (گاهی هم) خصمانه، به میدان آمده و اگر در گذشته از کسی تعریفی شنیده‌اند یا انتقادی تند، می‌کوشند به همان شکل پاسخ گویند یا مهر و محبت نویسنده‌گان را که چشم به عنایت دوستان دوخته‌اند، تلافی کنند. صرف‌نظر از کیفیت فنی و در واقع درون‌متنی این نقدها، باید به مسایل برون‌متنی آن‌ها نیز اشاره داشت.



هستند که در بیشتر این یادداشت‌ها رعایت نمی‌شود. گاه شاهد هستیم که نویسنده‌گانی که در عرصه داستان کار می‌کنند و در نقدنویسی تبحری ندارند، چند پاراگراف درباره کتاب نویسنده‌یی دیگر می‌نویسند؛ یادداشتی که به نوبه خود در زمانی که خود اثری تازه منتشر می‌کنند با یادداشتی تأییدآمیز توسط آن دوست نویسنده پاسخ داده می‌شود. هرچند در این میان، برخی از نویسنده‌گان برای حمایت از ادبیات مهجور داستانی معاصر یا به میدان گذاشته باشند؛ اما باید توجه داشت که حمایت از ادبیات و یا نویسنده‌گان جوان، نقدهای آگاهانه و منصفانه را می‌طلبد و رعایت انصاف همیشه تعریف و تمجید از سوره‌ها نیست. این گونه مشکل از زمانی آغاز شد که وبسایت‌های شخصی در فضای مجازی این امکان را به وجود آوردند تا هر نوشته بدون بررسی کیفی، به راحتی امکان انتشار داشته باشد. سایت‌های ادبی جدی‌تر نیز در پاره‌یی موارد، به دلیل عدم بنیه مالی یا نداشتن تیمی حرفه‌یی برای تهیه مطالب، به ناچار رویکرد سهل‌گیرانه‌یی را در انتخاب مطالب در پیش گرفتند و براین‌د این شرایط در فضای مجازی، باعث شد برخی یادداشت‌های احساسی یا چند اشاره کلی‌گویانه آن‌هم محدود به

نقد و به‌ویژه نقد ادبی از دیرباز در حوزه زبان و ادب پارسی، اوضاع چندان به‌سامانی نداشته و متأسفانه هرچه به لحاظ زمانی پیش آمده، همپای رشد کمی آن‌چه در تصور عمومی نقد نامیده می‌شود، رشد کیفی خاصی مشاهده نمی‌شود و آن‌چه زیر عنوان نقد ادبی جدی، در گذشته در برخی از نشریه‌های وزین ادبی شاهد بودیم؛ کماکان در نشریات امروزی به گونه انگشت‌شمار قابل مشاهده است اما از دیگر سو، با وجود رشد روزافزون روزنامه‌ها و گاه هفته‌نامه‌هایی که اغلب بخش قابل توجهی از فضای خود را به ادبیات و نقد ادبی اختصاص داده‌اند و هم‌چنین فضای مجازی انترنت که حجمی نامحدود از امکان انتشار نقد ادبی را فراهم آورده است، در میان خیل آن‌چه در این سال‌ها به عنوان نقد ادبی شاهد هستیم، نمونه‌های در خور اعتنا و قابل تأمل بسیار محدود اند، چنان که به جرأت می‌توان گفت بخش اعظم چنین مطالبی از سر سوءتفاهم، نقد نامیده می‌شوند و اگر بخواهیم واقع‌بینانه نامی برای آن‌ها پیدا کنیم، یک مرور یا معرفی اثر مناسب‌ترین عنوان برای چنین نوشته‌هایی است. هرچند که این سنخ یادداشت‌ها (مرور و معرفی کتاب به شکلی کوتاه) نیز خود دارای ساختار و الگویی

آیا موضع گیری کابلوف موفق روسیه می باشد؟

حکمت دامنه‌ای

موضع گیری آقای ضمیر کابلوف در مورد افزایش روابط روسیه با طالبان، برای مردم افغانستان که هر روز قربانی تروریسم طالبانی می‌شوند، به شدت نگران کننده و تأسف‌بار است.

آقای کابلوف در مقام مشاور حکومت روسیه با تأکید اعلام می‌دارد که کشورش روابط خود را با طالبان افزایش داده است و دلیل آن را تقابل طالبان و داعش می‌نامد؛ شایعاتی که توسط مهره‌های ستون پنجمی درون دولت افغانستان به شدت تبلیغ می‌گردد تا تروریسم طالبانی را توجیه نموده و پایگاه مشروعیت بخش برای آن سراغ نماید.

اگر موضع گیری آقای کابلوف به عنوان مشاور در تبانی با حلقه‌های طالبانی درون دولت باشد، این موضع گیری، ناخواسته بر تروریسم و انتحار مَهْر تأیید می‌گذارد و خشونت را تشویق می‌کند، که تاکنون در موقف رسمی دولت روسیه سابقه نداشته است. این موقف گیری یک صفحه جدید را در روابط روسیه با افغانستان باز می‌نماید. در غیر آن، اگر این موضع آقای کابلوف بنا بر ملحوظات

و تمایلات شخصی‌شان و یا تحت تأثیر مهره‌های حمایتی از طالبان بوده باشد، روابط ۳۰ میلیون جمعیت افغانستان که طی دو دهه گروگان اعمال تروریستی چند هزار طالب می‌باشد را با کشور روسیه به شدت لطمه می‌زند.

امیدواریم که دولت روسیه به خاطر جلوگیری از مغشوش شدن اذهان عامه مردم افغانستان، هرچه فوری تر موقف رسمی خود را از طریق کاردار رسمی‌شان در کابل اعلام بدارد.

اظهارنظرهای آقای کابلوف در مورد تقابل طالب و داعش در افغانستان، هیچ منطق سیاسی بی ندارد. طالب و داعش دو روی یک سکه می‌باشند که هر دو از سرچشمه ترور، وحشت، انفجار، انتحار و خشونت آب می‌خورند و از یک مرکز اطلاعاتی سازمان دهی می‌شوند، اما در مراحل تاکتیکی از نام‌های مختلف استفاده می‌شود تا عملاً اذهان عامه را مغشوش سازند و کار پروژه خود را پیش ببرند.

اگر در عقب طالبان، استخبارات پاکستان است، می‌تواند آقای کابلوف پاسخ دهد که عقب جبهه داعش کی‌ها اند، از کجا تمویل می‌شوند، تجهیز می‌گردند، انتقال می‌یابند، و چرا این تقابل در مرزهای پاکستان صورت نمی‌گیرد که

ریاست جمهوری:

حادثه سه‌شنبه خونین بررسی می‌شود

ایوبکر مجاهد

از سویی هم، مقام‌های امنیتی و دفاعی کشور تأکید می‌کنند که حمله تروریستی روز سه شنبه از بیرون مرز افغانستان طراحی و رهبری شد است.

گفته می‌شود که این حمله توسط احمد ولی قندهاری و دوستش انجام شد؛ وی در سال ۲۰۱۳ به فرمان کرزی از زندان بگرام رها شد.

مسوولان در ریاست جمهوری می‌گویند که هیأت با صلاحیت از نهادهای امنیتی و اداره امور ریاست جمهوری به‌خاطر بررسی ابعاد مختلف این حادثه تعیین شده است.

شاه حسین مرتضوی معاون سخنگوی ریاست جمهوری در مصاحبه با روزنامه ماندگار می‌گوید: در رابطه به انفجار روز چهارشنبه که در ریاست رجال برجسته اتفاق افتاد، هیأتی باصلاحیت از نهادهای امنیتی کشور، نماینده‌های وزارت دفاع، داخله، ریاست امنیت ملی، دادستانی کل و اداره امور ریاست جمهوری تعیین شده است.

آقای مرتضوی افزود: این هیأت بررسی خود را آغاز کرده اند و نشست‌های با رییس جمهور و رییس اجرایی کشور داشتند. هنوز بررسی‌های آنان، در مرحله ابتدایی قرار دارد و به زودترین فرصت این گزارش نهایی شده و نتیجه آن با مردم و رسانه‌ها شریک ساخته می‌شود.

نهادهای استخباراتی باید ظرفیت سازی شوند در این حال، غلام فاروق مجروح عضو مجلس نماینده‌گان می‌گوید: جنگ و جان فشانی نیروهای امنیتی کشور که در خط مقدم جبهه با دشمنان کشور قرار دارند، قابل تقدیر است.

آقای مجروح افزود: به اساس اطلاعاتی که وجود دارد، نیروهای امنیتی کشور در سال جاری در میدان نبرد درخشش خوبی داشته اند، اما نهاد استخباراتی کشور ضعیف عمل کرده‌اند.

او با بیان این‌که در روزه‌های سرحدی افغانستان همیشه باز استند و بازرسی نمی‌شوند، می‌گوید: تنها موارد که می‌تواند از ورود انتحار و انفجار به کشور جلوگیری جلوگیری کند، داشتن اطلاعات و منابع استخباراتی است.

دو عامل اصلی و تعیین کننده صلح و ثبات در افغانستان

محمد اکرام اندیشمند

و کشور محقق نمی‌شود.

فراموش نباید کرد که صلح و ثبات تنها نبود و غیبت جنگ نیست، هر چند که در افغانستان جنگ نه غایب که همیشه حاضر و موجود است. صلح و امنیت، با حضور و تحقق عدالت و قانون و یا حاکمیت قانون تأمین می‌شود. فقط در سایه قانونیت و عدالت است که مردم در هر جامعه و کشوری احساس امنیت و آرامش می‌کنند و خود را در چتر ثبات و صلح می‌بینند. اگر چنین نباشد و مردم این احساس و امتنان را نداشته باشند، ثبات و صلحی در کار نیست.

وقتی قانونیت و عدالت مستلزم و متضمن صلح و ثبات است، مجری و مسوول اجرای قانون و عدالت کیست؟ پاسخ این پرسش را حتا کودکان جامعه هم می‌دانند که مجری قانون و عدالت در افغانستان و هر جامعه و کشور دیگر، دولت و حکومت است. اما اگر دولت و حکومت به جای اجرای قانون و تطبیق عدالت، ناقض قانون، مجری بی‌عدالتی و عامل فساد باشد، آیا در جامعه، صلح و ثبات تحقق می‌یابد؟ آیا مردم در حیات فردی و اجتماعی خود احساس آرامش و امنیت می‌کنند؟

در شمال و زیر نام مستعار داعش با مردم ما جنگ دارند! مگر آقای کابلوف نمی‌داند که طالبان و داعش از جمله پروژه‌های استخباراتی می‌باشند که سال‌ها قبل توسط سازمان‌های استخباراتی بزرگ تولید شده و به بهره‌برداری سپرده شده‌اند؟

آیا آقای کابلوف با این‌گونه مانورهای پُر از اشتباه و تحت تأثیر حلقه‌های طالبانی ستون پنجمی‌های داخل دولت، پروژه انتقال جنگ به شمال و آسیای میانه را تسریع نمی‌بخشد؟



به گفته او، در افغانستان نیروهای استخباراتی فعال نیستند، نیروهای کشفی و استخباراتی پس از وقوع حادثه فعال می‌شوند اما، تا چند روز با دوباره خاموش می‌شوند و همیشه فعال در میدان کشفی نمی‌باشند.

به گفته او، در افغانستان ۶۰ درصد هزینه صرف نیروهای امنیتی می‌شود، نیروهای استخبارات کشور باید ظرفیت سازی شوند و از منابع و سرچشمه گروه‌های دهشت افکن آگاهی یابند و هم‌چنان، با تکنالوژی پیشرفته اطلاعاتی و فنی در عملیات‌های کشفی و استخباراتی مجهز شوند.

آقای مجروح خاطر نشان کرد: افغانستان همواره از مرزهای مشترک با همسایه‌ها زیان دیده است که حملات انتحاری و ... اعمال دهشت افگنی از بیرون افغانستان طرح و اجرا کنند و خون مردم ما را می‌ریزانند.

کم کاری نهادهای استخباراتی و ضعف مدیریت هم‌چنان به مسوولان درجه یک نهاد ارتباط دارد اما، در حال حاضر دو نهاد مهم امنیتی کشور، وزارت دفاع و ریاست امنیت از طرف سرپرستان اداره می‌شود و صلاحیت تعیین برخی ماموران شان را ندارند که نگران کننده است.

نامزدان وزارت دفاع و ریاست امنیت به مجلس معرفی می‌شوند

آقای مجروح هم‌چنان افزود: به‌خاطر بهتر شدن انگیز کار و جدیت در امور کاری، مجلس نماینده‌گان به صورت مکرر از ریاست جمهوری خواسته اند که وزیر دفاع و رییس امنیت را به مجلس جهت گرفتن رای معرفی کند، اما، قرار بود که در هفته گذشته این افراد معرفی شوند که نشد، امیدوار استیم که در هفته آینده مسوولان این دو نهاد را جهت گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی کنند تا اوضاع بدتر از این آشفته نشود.

هم‌چنان، شاه حسین مرتضوی معاون سخنگوی رییس جمهور، در مورد معرفی وزیر دفاع و رییس امنیت ملی به مجلس نماینده‌گان، گفت: در مورد معرفی رییس امنیت و وزیر دفاع صحبت‌ها با مجلس نماینده‌گان صورت گرفته و بین رهبران حکومت وحدت ملی هم‌چنان صحبت‌های شده، امید می‌رود که به زودترین وقت وزیر دفاع و رییس امنیت جهت گرفتن رای به مجلس نماینده‌گان معرفی شوند.

تا زمانی که در افغانستان حکومت و حکومت‌داری سالم، پاسخگو، قانون‌مدار و عاری از فساد، جای حکومت و حکومت‌داری آلوده به انواع فساد را نگیرد، صلح و ثبات محقق نمی‌شود. هرگونه حملات انتحاری گروه تروریستی طالب و هر گروه تروریستی دیگر، با فساد دولت و حکومت رابطه دارد. این فساد در دولت و حکومت است که موجب نفوذ تروریست‌ها و انجام عملیات آن‌ها به‌خصوص در پایتخت و مراکز ولایات می‌شود.

حل اختلاف و مشکلات با پاکستان، یکی دیگر از عوامل اصلی و تعیین‌کننده صلح و ثبات در افغانستان است. این تفکر و باور که افغانستان هم‌چنان می‌تواند با ادامه ادعای ارضی بر سر دیورند، همکاری و توافق پاکستان را در جهت صلح و ثبات افغانستان کسب کند، یک اندیشه و باور نادرست و غلط است. آیا احتماقانه‌تر از این تفکر و باور می‌تواند وجود باشد که از یک‌طرف بر بیشتر از نیم خاک پاکستان ادعای ارضی کرد و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی پاکستان را به حیث ششمین قدرت اتمی جهان با این ادعا مورد تهدید قرار داد، و باز از پاکستان توقع داشت که به جای بی‌ثبات‌سازی و جنگ در افغانستان، با صلح و ثبات پایدار همکاری کند؟!

نتیجه چندین دوره نشست صلح

دولت افغانستان:

جنگ را با جنگ پاسخ می‌دهیم

هارون مجیدی

پس از آن‌که چندین دور نشست‌های چهارجانبه برای آوردن صلح نتیجه مثبت نداد و گروه طالبان با رد این گفت‌وگوها هم‌چنان به حملات خود ادامه دادند، دولت افغانستان اعلام کرده که به تمامی نیروهای امنیتی دستور داده شده تا پس از این به هیچ تروریستی رحم نکنند.

دولت افغانستان گفته است که اولویت آنان برای ختم جنگ از راه مذاکرات صلح تغییر کرده و پس از این، جواب جنگ با جنگ داده خواهد شد.

دولت افغانستان می‌گوید که گروه‌های مخالف مسلح دولت برای اهداف و منافع دیگران در افغانستان می‌جنگند؛ اما حکومت از ارزش‌های ملی خود دفاع می‌کند.

پیش از این حکومت افغانستان گفته بود که در کنار جنگ با گروه‌های مسلح مخالف دروازه‌های صلح را نیز باز گذاشته است.

دواخان مینه‌پال، جاوید فیصل و تواب غورزنگ معاون سخنگویان ریاست جمهوری و ریاست اجرایی و سخنگوی شورای امنیت ملی پنج‌شنبه هفته گذشته، در کنفرانس خبری گفتند که دولت افغانستان قبل از این به گفت‌وگو و مذاکره برای پایان جنگ در این کشور اولویت می‌داد، اما با توجه به ادامه حملات تروریستی گروه‌های مخالف مسلح، تصمیم گرفته شده تا تمامی آنان سرکوب شوند.

آنان تأکید کردند، تا زمانی که مراکز تمویل و تجهیز مخالفین در بیرون از خاک افغانستان از بین برده نشود؛ تشنجات در کشور ادامه خواهد داشت.

جاوید فیصل، معاون سخنگوی ریاست اجرایی در این کنفرانس خبری گفت: «طالبان و دیگر گروه‌های مخالف مسلح به پیام‌های صلح‌خواهی ما با جنگ جواب داده‌اند و ما هم آماده‌ایم تا با جنگ جواب بدهیم».

به گفته او، به نیروهای امنیتی کشور دستور داده شده تا پس از این، با تمام قدرت گروه‌های شورشی را نابود کنند.

معاون سخنگوی ریاست اجرایی افزود: این‌بار حکومت افغانستان، نیروهای امنیتی و مردم کشور متعهد هستند که باقاطعیت و جدیت تمام در برابر هراس‌افکنان از جمله گروه طالبان بجنگند.

به گفته معاون سخنگوی ریاست اجرایی حکومت وحدت ملی، طالبان به پیام صلح با خشونت پاسخ دادند و قسمی که تروریستان می‌خواهند و هنوز به این باور هستند که راه‌حل از طریق جنگ ممکن است، حکومت هم افغانستان به دفاع از مردم متعهد می‌باشد.

آقای فیصل یادآور گردید که ما آماده شده‌ایم و به نیروهای امنیتی دستور داده شده تا از تمام امکانات در هر مکان گروه‌های تروریستی را نیست و نابود کنند.

آقای فیصل بیان داشت: گروه‌های مخالف مسلح دولت برای اهداف و منافع دیگران در افغانستان می‌جنگند؛ اما حکومت از ارزش‌های ملی خود دفاع می‌کند.

او تأکید کرد: "جواب جنگ را با جنگ می‌دهیم و در این جنگ برنده هستیم".

در این حال، دواخان مینه‌پال، معاون سخنگوی ریاست جمهوری در این نشست با بیان این‌که براساس فیصله‌یی که در نشست چهار جانبه صلح صورت گرفته، گفته شده است که اگر گروه‌های مخالف مسلح دولت مذاکرات صلح را رد کنند، به ضد آن اقدام نظامی صورت می‌گیرد، او گفت: ما در این مورد متظر هستیم که پاکستان چه اقداماتی را روی دست می‌گیرد.

آقای مینه‌پال تأکید کرد: موقف ما در برابر دشمنان افغانستان این است که آنان دشمنان مردم افغانستان هستند و ما در برابرشان جنگ می‌کنیم تا سرکوب‌شان کنیم.

او یادآور گردید که حالا به پاکستان ارتباط دارد و عملاً می‌بند که طالبان صلح نمی‌کنند و به جنگ ادامه می‌دهند، پس باید تعهدش را عملی کند. معاون سخنگوی ریاست جمهوری با اشاره به حادثه مرگ‌بار حمله به ریاست محافظت از رجال برجسته، گفت: به قربانیان حادثه کابل کمک مالی صورت می‌گیرد.

هم‌چنان، تواب غورزنگ، سخنگوی شورای امنیت ملی نیز می‌گوید که از این پس، جنگ و حفاظت از جان و مال مردم در اولویت کاری دولت افغانستان قرار دارد.

به گفته سخنگوی شورای امنیت ملی: "دولت افغانستان پیش از این امیدوار بود که مذاکرات مسالمت‌آمیز با مخالفان مسلح دولت، به ختم جنگ و برقرار شدن صلح در این کشور بی‌انجام؛ اما مخالفان مسلح سر باز زدند و به خواست افغانستان جواب مثبت ندادند".

آقای غورزنگ خاطر نشان کرد: "حکومت افغانستان متعهد است که پروژه صلح را به پیش ببرد، در وضعیت فعلی جنگ اولویت دارد، به‌خاطر این‌که طالبان به صدای صلح با سلاح جواب داده‌اند. این‌بار حکومت تصمیم قاطع گرفته و متعهدین بین‌المللی، افغانستان را در بخش تجهیزات نظامی کمک می‌کنند و در مقابل دشمنان، به جنگ قاطع می‌پردازیم".

از سویی هم، محمد اشرف‌غنی، رییس‌جمهور افغانستان نیز در هنگام عبادت از زخمی‌های حادثه حمله به ریاست حفاظت از رجال برجسته در کابل خطاب به طالبان گفت: انتقام خون هر شهروندی را که به ناحق ضایع می‌شود، می‌گیریم.

او خطاب به گروه‌های مخالف مسلح دولت گفت: «ما اراده کشتار شما را نداریم، شما ما را مجبور ساختید».

حکومت وحدت ملی افغانستان بیشتر برای رسیدن به صلح، نماینده‌گان چهار کشور افغانستان، پاکستان، امریکا و چین را گرد هم آورد تا روی نقشه راه صلح کار کنند.

نمایندگان این چهار کشور که از آنان به عنوان گروه هم‌آهنگی چهارجانبه صلح یاد می‌شود، در چهار نشست، نقشه راه صلح را نهایی کردند و به توافق رسیدند که دولت افغانستان، با گروه‌های مخالف مسلح دولت مستقیم بر سر صلح مذاکره کنند.

این گروه، از تمامی گروه‌های مخالف مسلح دولت به شمول طالبان خواست که به مذاکرات مستقیم صلح بپیوندند. طالبان، اما شرکت در این مذاکرات را رد کردند و با آغاز سال ۱۳۹۵، عملیات بهاری خود را زیر نام «عمری» در سراسر کشور آغاز کردند.

فیسبوک نامه

گزارش نامه
افغانستان

رزاق مامون

حمدولی مسعود؛ سرمایه‌گذاری به دوره پس از تصادم

اشاره: در ماه سنبله، (همزمان با به سر آمدن میعاد دو ساله توافق سیاسی) حفظ حکومت غنی - عبدالله برای امریکایی‌ها دشوار می‌شود. با ورود دودمان احمدشاه «مسعود» در صحنه، عصر دیگری شروع می‌شود. این موضوع، غیر از «تغییری» که ادبیات احمد ولی رونما شده، از منابع دیگری خبرهایی هست.

احمدولی: بیشترین تلاش من طی این سال‌ها برای این بوده است تا مردم افغانستان از اقوام و اقشار مختلف، خود را در چرخه تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولتی و کشوری ببینند. دقیقاً بخاطر ارزشمندی همین رسالت، با وجود فرصت‌ها و تقاضاهای مکرر، هیچ‌گاه با هیچ پیشنهاد ماموریتی در ساختاری که از رأس تا ذیل آن سیستم ارباب رعیتی حاکم بوده است، نپذیرفته‌ام.

طرح دولت وحدت ملی را روی همین منظور بیرون دادیم تا مقدمه باشد بخاطر تغییر.

تغییر قاعده بازی سیاست در کشور، این که از یک نظام پدر شاهی یکنفره ریاستی که طی بیش از یک دهه، امروز ناکامی خود را بوضوح ثابت نموده است به یک نظام مردمی، منطبق به خواست و بافت جامعه عبور نماییم و سر انجام همه با هم به یک دولت ملی و مردمی امروزی برسیم.

با این ملحوظ، تغییر نظام سیاسی در افغانستان یک اصل پذیرفته شده و بی بازگشت می‌باشد و ایجاد دولت وحدت ملی تا رسیدن به دولت ملی فقط در چارچوب ساختارهای افقی و هموار معنی می‌شود و به ثمر می‌نشیند.

عزیز آریافر



نابودی زمین و زندگی با چاشنی تعصب و باروت برتری‌جویی

امروز ۳ اردیبهشت، روز زمین است. روز یگانه سیاره‌ای که حیات و زیبایی را در آغوش مساعد و مهربان خود پرورش می‌دهد. اما آیا گاهی فکر کرده‌ایم که ما برای این مادر و این بهشت هستی چه کرده‌ایم؟

خود را می‌ترکانیم و در زمین سیل خون جاری می‌کنیم و آنگاه حامیان ما کشته شدن بی‌گناهان را جشن می‌گیرند و به آن افتخار می‌کنند! دانش و آرامش را نابود می‌کنیم و سنگ جهالت بر سینه می‌کوبیم و در بستر این جهالت، سیاستمداران ما بی‌باکانه بر گرده گاه مردم سوار می‌شوند.

ظالم می‌شویم و مظلومیت را می‌پذیریم و سرانجام زیبایی و زنده‌گی را با چاشنی تعصب و باروت برتری‌جویی منفجر می‌کنیم!

آیا وقت تغییر فرا نرسیده است؛ اگر مفید نیستیم، کم از کم ویران‌گر و نابود کننده نباشیم؟

روز زمین خجسته باد!

روبین رهنوش



رسیدن به شهرت از طریق شعر، اتوبیوگرافی فروپاشی ادبیات و توهمی که در زیر پوست جریان ادبی ما شکل می‌گیرد و نه تنها نادیده گرفتن که به رشد آن هم دامن زده می‌شود. گذار از دوران تیره طالبان به سوی یک مسیر جدید و تلاش برای ایجاد یک نهضت جدید ادبی برای پر کردن خلای ایجاد شده در آن دوران - اگرچه در پارادایمی با تأثیرپذیری از جهات مختلف ارایه گردید - از جدی‌ترین و ارزشمندترین اتفاق‌های چنددهه اخیر در ادبیات افغانستان، به‌ویژه در شعر بوده است. پس از سقوط رژیم طالبان حلقه‌ی بی‌شتر تر متشکل از جوانان کوشیدند با اندیشه‌های تازه وارد کارزار ادبیات شوند و شیوه، برخورد و می‌توان گفت فرم‌های جدیدی را که برای خود و مخاطبان‌شان تازه‌گی داشت، به تجربه گرفتند.

از حقیقت دور نیست که این آغاز و بنیاد خوبی برای رسیدن به یک بلوغ اجتماعی ادبی بود و پیش‌رفتی هم داشت اما در سال‌های اخیر این روند نیز مانند نظام اداری بی‌تأثیر از فساد نبوده است. نوشتن برای دیگران و داد و ستدهای ادبی در دوسه‌سال اخیر همواره بدون هیچ توجهی جریان داشته، آگاهانه مورد چک‌چک قرار گرفته و حتا بعضی از شعرها قسمی که سال گذشته هم یادآور شده بودم به پلورلیزم فساد ادبی سردچار اند که پی‌آمد این جریان چیزی جز پیش‌کش یک ادبیات معیوب به نسل بعد نیست. انگار فانتزی شاعر شدن و مشهور بودن از یک سو و بحث معاشقه و یا دغدغه‌های که نمی‌خواهم از آن نام ببرم از سوی دیگر، دو فکتور اند که در یک پهلوی آگاهانه شعر را تا سرحد ابتذال می‌کشانند.

دخترخانم تازه در حال فراگیری آموزش زبان فارسی است که زبان مادری اش هم نیست مگر بدون این که خمی به ابرو بکشد با شعری که آقا برایش می‌نویسد در محفل‌های ادبی و پرده تلویزیون با جرئت تمام ظاهر می‌شود. البته هدفم از یادآوری زبان مادری انحصاری ساختن زبان و هنر نیست اما تصور کنید از کسی سخن می‌گویید که از میزان سواد و قریحه‌اش آگاهی کامل دارید، اگر اهل همان زبان هم باشد. بدتر از همه این که کسی که حتا خواندن خط هم درست بلد نیست برنامه بوی ماه تلویزیون آریانا از آدرس جامعه ادبی دعوتش می‌کند تا دست‌آوردهایی را که آقا برایش داشته، همه‌گانی نماید. هیچ ادعایی ندارم و البته به قول عام «مورچه‌پی را هم دوست ندارم بیزارام» یا به شخصیت کسی آسیب برسانم اما این موضوعی است دردآور که خودم و شماری از دوستان بارها به آن اشاره کرده‌ایم، ولی هم‌چنان بی‌ثمر بوده و برای سد راه آن شدن هم به یک حرکت و اراده جمعی نیاز است.

ملت افغانستان به معرفی گرفت؛ تا در آینده ضررشان دفع گردد.

داعش تمام جهان را تهدید می‌کند و باید ریشه‌کن شود

رییس ستاد مشترک ارتش عراق خطاب به همتای امریکایی خود تأکید کرد، گروه تروریستی داعش همه جهانیان را تهدید می‌کند و ریشه‌کنی آن یک ضرورت است.

سرلشکر ستاد عثمان الغانمی، رییس ستاد مشترک ارتش عراق دیروز در بغداد همتای امریکایی خود را به حضور پذیرفت که طی آن بر ضرورت تسریع در نابودی باندهای تروریستی داعش تأکید کرد، چرا که داعش تمام جهان را تهدید می‌کند.

در بیانیه وزارت دفاع عراق آمده است: سرلشکر ستاد الغانمی، در دفتر خود جنرال جوزف دانفورد، رییس ستاد مشترک ارتش امریکا را به حضور پذیرفت که استیوارت جونز سفیر امریکا در بغداد هم حضور داشت.

طی این دیدار دو طرف مسایل متعدد از جمله آخرین تحولات صحنه جنگ بر ضد باندهای تروریستی داعش و آزادسازی باقی‌مانده استان‌های الانبار، صلاح‌الدین و عملیات آزادسازی استان نینوا و ادامه حمایت امریکا از نیروهای عراقی بررسی شد.

این بیانیه آورده است که رییس ستاد مشترک ارتش عراق به مشارکت دو طرف در حملات هوایی به مواضع داعش اشاره کرد و گفت ۵۰ درصد از مناطق آزاد شده به سبب این حمایت و پشتیبانی بوده است.

بر اساس این بیانیه، رییس ستاد مشترک ارتش امریکا گفت ما همچنان به حمایت از نیروهای عراقی و افزایش آن ادامه می‌دهیم، ما از نزدیک عملیات ارتش عراق را از طریق مشارکت در آن عملیات و دیدار مستمر با فرماندهان امنیتی زیر نظر داریم.

این مقام نظامی امریکا افزود: ما شاهد پیشرفت زیاد در سطح رزمی و کسب پیروزی‌ها هستیم و دیدارها از پایگاه‌های آموزشی برای اطلاع از سطح آماده‌گی نیروهای عراقی ادامه دارد، هدف اصلی ما همکاری و هماهنگی برای آزادسازی شهر موصل است و نیازهای عراق را به دولت امریکا منتقل خواهیم کرد.



دبیر کل ناتو:

اختلافات عمیقی با روسیه وجود دارد

دبیرکل پیمان آتلانتیک شمالی می‌گوید، ناتو و روسیه در دیدار اخیر خود به «اختلافات عمیق طرفین» در مسایل مطرح در روابط مسکو-بروکسل پرداختند.

شورای ناتو-روسیه روز گذشته با حضور ۲۸ تن از نمایندگان ائتلاف ناتو و آلكساندر گروشکو، فرستاده مسکو در این ائتلاف پس از دو سال وقفه از سال ۲۰۱۴ و وقوع بحران اوکراین و الحاق کریمه به روسیه تشکیل جلسه داد. این نشست را جدی، صریح و خوب توصیف، اما خاطرنشان کرد: روسیه و ناتو اختلافات عمیق و پایداری با یکدیگر دارند.

استولتنبرگ اذعان کرد، دو طرف فاصله بسیاری با توافق بر راه‌حلی‌هایی جهت کاهش تنش‌ها بر سر مناطق درگیر شرق اوکراین دارند: «در مسأله اوکراین اختلافات بسیار عمیقی بین دو طرف وجود دارد. طی این نشست، اما دست‌کم در یافتیم که بر سر واقعیت‌ها، خوانش‌ها و مسؤلیت‌های در مسأله اوکراین اختلاف نظر وجود دارد و علاوه بر آن طرفین بر اهمیت توافق مینسک واقف هستند.»

این در حالی است که روابط مسکو و بروکسل طی ماه‌های اخیر و پس از آغاز کمپین هوایی روسیه در سوریه افول دیگری را تجربه کرد.

گروشکو نیز پس از پایان این نشست تأکید کرد، تا زمانی که ناتو گامی واقعی در کاهش فعالیت‌های نظامی خود در نزدیکی مرزهای فدراسیون روسیه برندارد، حضور در هرگونه مذاکرات جهت اعتمادسازی ممکن نخواهد بود. او با اشاره به حادثه هفته گذشته بین جنگنده‌های روسی و ناو امریکایی در دریای بالتیک عنوان کرد: این اتفاق به این دلیل رخ داد که این موشک افکن امریکایی در نزدیکی کالینینگراد در حرکت بود.



عضو تیم جودو:

دولت توجه جدی به ورزش ندارد



ننگیالی عثمانی

در نخست لطف کرده خود را معرفی کنید؟

عبدالفهیم فضلی عضو تیم ملی جودو مدت یازده سال می‌شود که این رشته را تحت نظر استاد ذکریا اسدی به پیش می‌برم در سال ۲۰۱۰ موفق به کسب عضویت تیم ملی کشور شدم.

در مورد دست‌آوردهای تان بگویند تا به حال چه دست‌آوردهای داشته‌اید؟

در سال ۲۰۱۱ در مسابقات جنوبی آسیا اشتراک کردم و توانستم مدال برنز را در این مسابقات کسب کنم، همچنان در سال ۲۰۱۴ در مسابقات جنوبی آسیا در جنوب نیپال نیز به مدال برنز دست یافتیم، در مسابقات المپیک آسیا که در کشور کوریا برگزار شده بود نیز توانستم مقام هفتم را به دست آورم و در وزن ۶۶ کیلو گرام در افغانستان قهرمان هشتم یازده مدال طلا یک نقره از افغانستان جزء دست‌آوردهایم است و یک دیپلوم افتخاری دیگر از خارج از افغانستان.

به باور شما قهرمان به چگونه شخصی گفته می‌شود؟

یک قهرمان باید همیشه متجه تمرینات خود باشد و دست‌آوردهای خود را حفظ کند همچنان در اجتماع تقوا پیشه کند و الگویی باشد برای دیگر. نکته دیگری که بسیار مهم است اخلاق است وقتی ورزشکار به خارج از کشور به مسابقه می‌رود نماینده گی از تمام مردم‌اش می‌کند بنا باید اخلاق نیکو و شایسته داشته باشد.

گفتنی‌های تان برای کسانی که از ورزش استفاده سوء می‌کنند، چیست؟

ورزش برای صحت مندی است نه برای زد و خورد و جنگ کردن با دیگران هدف و پیام ورزش سلامتی است ورزش نقش بسیار اساسی و با اهمیت در نشاط و سلامتی جامعه دارد و می‌تواند جامعه را به سوی سلامتی و کارهای نیک سوق دهد، اخلاق باید وسیله اخلاق ما باشد نه سوء استفاده.

به باور شما ورزشکار افغانستانی با چه چالش‌ها و مشکلاتی روبه‌رو است؟

متأسفانه دولت توجه جدی روی ورزش و جوانان ندارد، آنان با مشکلات اقتصادی روبه‌رو هستند. کشورهای دیگر بالای نیروی جوانان و به ویژه جوانان ورزش کارشان سرمایه‌گذاری می‌کنند اما در افغانستان نه حمایت معنوی می‌شوند و نه هم مادی ماهانه برای ورزشکاران تیم مای ۱۰۰۰۰ افغانی داده می‌شود که حتا کرایه راه‌شان را اکتفا نمی‌کند و این از چالش‌های عمده و اساسی ورزشکار افغانستان است.

پیام تان برای جوانان کشور چیست؟

هر جوان باید به نیروهای درونی خود اعتماد داشته باشد، و این مسأله را باید بپذیرد و درک کند که این نیروی درونی شان می‌تواند باعث تحول بزرگ اجتماعی گردد، باید به هر ورزشی که علاقه دارند ورزش کنند برای سلامتی خود و جامعه شان با این کار می‌توانید نیروی حوصله مند و اخلاقی خود را پرورش دهید و برای اجتماع مفید باشید.

اگر کرسی انتحاری‌ها را رها نمی‌کرد!

آثار حکیمی

حمله انتحاری سه شنبه که نزدیک به ۴۰۰ زخمی و شهید به همراه داشت و هزاران کس را به سوگ عزیزان شان نشانده، توسط احمد ولی قندهاری و دوستش انجام شد. به اعتراف خود احمد ولی انتحاری وی در سال ۲۰۱۳ به فرمان کرسی از زندان بگرام رها شد. در ویدیویی که از نشانی طالبان نشر شده، احمد ولی هنگام آموزش های نظامی می‌گوید که توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده و پس از مدتی رها شده است. اسناد زندانیان بگرام نشان می‌دهد که این جانی به فرمان حامد کرسی در سال ۲۰۱۳ از بند رها شده است. دو سال پیش هم یک حمله کننده انتحاری با ورود به لیسه استقلال خودش را منفجر کرد که چندین تن از جمله زبیر حاتمی تصویر بردار تلویزیون میترا و تنها تکیه‌گاه مادر مریض و مظلومش را شهید ساخت. وقتی تصویر صورت این انتحاری نشر شد، او درست شبیه تصویر نوجوان انتحاری بود که حامد کرسی پس از بازداشت توسط نیروهای امنیتی، رهاش کرده بود.

هنگام شهادت زبیر عزیز، ما عنوانی نهادهای عدلی و قضایی شکایت‌نامه‌ای را ترتیب کردیم که کرسی به عنوان عامل قتل زبیر و ده‌ها شهروند دیگر در یک دادگاه مستقل و یک روند عدالت محور باید مورد باز پرس قرار گیرد. اما دو سال گذشت و در این راستا کاری صورت نگرفت. این بدین معناست که هنوز برای دادخواست خون قربانیان در این کشور فاصله‌ی زیادی است و تا هنگامی که مردم خود خون فرزندان شان را پاس ندارند، توقع عدالت از هر

عزای ملی و پرچم نیمه افراشته

دولت در پی انفجار مهیب در کابل که بیش از ۴۰۰ کشته و زخمی برجای گذاشت دو روز عزاداری ملی را اعلام کرده است. نیروهای امنیتی افغانستان هم از آغاز عملیات تهاجمی علیه مواضع شورشیان در این کشور خبر می‌دهند.

رئیس جمهور دستور داده است در تمام مساجد برای قربانیان مراسم دعاخوانی برگزار شود و پرچم این کشور بر فراز ادارات دولتی و نمایندگی های سیاسی اش در خارج از این کشور نیمه برافراشته شود. انفجار قوی در پل محمودخان در کابل ۶۴ کشته و ۳۴۷ زخمی بر جای گذاشت. بیشتر قربانیان این حمله تروریستی مانند حملات قبلی غیرنظامیان بودند. جامعه بین المللی و مردم افغانستان این حمله را نکوهش کردند. این انفجار با حمله گروهی از مهاجمان مسلح انجام شد که مسئولیتش را طالبان به دوش گرفتند. این انفجار دقیقاً چند روز پس از آن رخ داد که سازمان ملل متحد اعلام کرد شمار تلفات کودکان و زنان در منازعات مسلحانه در سال ۲۰۱۶ در افغانستان ۲۹ درصد افزایش یافته است. شمار کشته شده های غیرنظامی از آغاز سال روان میلادی براساس گزارش سازمان ملل متحد ۱۳ درصد کاهش، اما آمار زخمی های غیرنظامی ۱۱ درصد افزایش یافته است. نمونه واضح این ادعای «یوناما» هم انفجار کابل است که ۳۴۷ زخمی برجای گذاشت.

به دشمنان رحم نکنید

این انفجار واکنش تند مردم افغانستان را علیه تلاش های دولت برای احیای مذاکرات درجاده صلح با شورشیان طالبان و سیاست مبارزه با تروریسم دولت در پی دارد. حمید داگو یکی از کاربران افغان در شبکه اجتماعی فیس بوک در صفحه ارگ ریاست جمهوری پای حکم عزای عمومی رئیس جمهور نوشته است: «شما بجای این کار دشمن را برای نیروهای پولیس ما تعریف کنید. شما یک روز با طالب صلح می‌کنید و یک روز جنگ. طالبی را که پولیس، امنیت ملی و اردوی ملی ما به قیمت جان خود دستگیر کرده آزاد می‌کنید و همان طالب دوباره دشمن سر آن‌ها می‌شود. این اظهارات کاربران شبکه های اجتماعی در حالی مطرح می‌شود که یکی از مهاجمان حمله کابل که خودش را «عبدالله قندهاری» معرفی می‌کند، قبل از کشته شدنش در یک ویدیوی تبلیغاتی گروه طالبان که در شبکه های اجتماعی نشر شده به وضاحت می‌گوید از زندان بگرام آزاد شده و دوباره برای «عملیات استشهادی» به گروه طالبان پیوسته است. شماری از کارشناسان هم به این باور هستند که زمان آن فرارسیده است که حکومت افغانستان به خاطر حفظ جان شهروندانش از سیاست نرمش در برابر شورشیان دست بردارد. جاوید کوهستانی کارشناس مسائل نظامی و استخباراتی در صفحه فیس بوکش نوشته: «حمله انتحاری کابل از سوی شورای نام نهاد پشاور به همکاری مستقیم شبکه حقانی تحت رهبری حافظ محب الله والی نام نهاد طالبان برای کابل که در حکیم آباد نزدیک مدرسه حقانیه زندگی می‌کند طرح ریزی گردیده است». وی از افراد دیگری از فرماندهان طالبان در افغانستان نام می‌برد که دو مهاجم این حمله را سمت و سو داده اند.

محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان در سخنرانی اش در جریان عبادت از زخمی های رویداد کابل گفته است ما از صلح سخن می‌زنیم و طالبان با جنگ جواب می‌دهند. «ما انتقام قطره قطره خون مردم خویش را می‌گیریم». عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه حکومت وحدت ملی افغانستان نیز سفرش را به پاکستان لغو کرد. جاوید فیصل سخنگوی ریاست اجرائیه گفت: «تلاش این بود که از راه صلح به جنگ در افغانستان خاتمه داده شود. امروز که پاسخ طالبان مثبت نبود بنابراین تمرکز بیشتر سر جنگ است.»

مقامات افغانستان همواره پاکستان را به حمایت از شورشیان طالبان متهم می‌کنند. نماینده افغانستان در سازمان ملل در پی حمله روز سه شنبه در کابل در اعلامیه ای از شورای امنیت سازمان ملل خواسته تا «در علیه کسانی که از طالبان حمایت و از رهبران آنان حفاظت می‌کنند اقدامات جدی و موثری بکنند.»

در پی این حمله مرگبار طالبان در کابل، دولت افغانستان به تمام نیروهایش دستور داده است که در نبرد با «دشمن» با قاطعیت برخورد کرده و به آنان رحم نکنند. توپ غورزنگ سخنگوی شورای امنیت ملی افغانستان در نشست خبری در کابل گفت: «دستورات جدی رییس جمهور و شورای امنیت به نیروهای امنیتی و دفاعی داده شده که پس از این به دشمنان مردم افغانستان رحم نکنند.»

حمله تهاجمی نیروهای امنیتی

در پی این دستور ریاست جمهوری و شورای امنیت ملی، نیروهای امنیتی افغانستان حالت تهاجمی گرفته و در ۲۴ ساعت به مواضع شورشیان در چندین ولایت افغانستان حمله کرده اند. وزارت دفاع افغانستان در خبرنامه ای نوشته است: «در نتیجه این عملیات ۴۱ دهشت افکن کشته، هفت تن زخمی و هفت نفر هم دستگیر شده اند.»

هنوز هم به صورت واضح مشخص نیست که دستور اخیر رییس جمهور افغانستان و سرقوماندان قوای مسلح این کشور به شورای امنیت و نیروهای امنیتی این کشور در مبارزه با طالبان چه تغییری در استراتژی جنگی این نیروها به میان خواهد آورد و آیا تاثیر منقبی بر تلاش های روان برای احیای مذاکرات صلح با طالبان خواهد داشت یا خیر.



و برخوردار از دولت مردمی است صورت می‌گرفت، آیا همین‌گونه به راحتی خون فرزندان این وطن زیر چرخ موترهای مقامات، بی هیچ مسؤولیت پذیری خشک می‌شد؟ فرمانده پولیس شهر، رییس امنیت شهر و دیگر مقامات مسول که وظیفه‌شان تامین امنیت شهروندان است و این حادثه ی اول نه که چندمین حادثه ی خونین به دلیل بی‌کفایتی شان رخ می‌دهد؛ اما در محل حادثه حاضر می‌شوند و بی‌اندکترین وجدان به پارچه های گوشت شهروندان می‌نگرند و می‌گویند این کار دشمنان افغانستان است. ولی هیچ دشمنی از ناکارایی و خیانت مسولین برای مردم ما دشمن تر نبود و نیست.

حاکمیتی، واهی و نایبجاست. این مردم است که برای خود یا جامعه ی عدالت محور می‌سازند یا تن به استبداد داده و می‌گذارند تا همیشه حق شان تلف شود.

حالا همه خانوادهاى غم دیده و انسان‌های با درک می‌گویند که اگر این انتحاری‌ها توسط کرسی رها نمی‌شدند، ممکن این حوادث رخ نمی‌داد. در کنار این، از بس مردم در برابر قربانیان خود بی‌تفاوت شده‌اند دولت مردان هم از کنار فاجعه بزرگ روز سه شنبه که بزرگترین فاجعه در نوع خودش در چند سال اخیر بود، به راحتی گذشتند. شما تصور کنید اگر حادثه روز سه شنبه در یک کشور دیگر که اندک فضای آزادی در آن می‌دمد

سازمان دیدبان حقوق بشر به اشرف غنی:

به فرهنگ معافیت پایان دهید



نیز تاکنون به حق شان نرسیده‌اند. این سازمان افزوده که گروه طالبان و سایر نیروهای مخالف دولت به صورت واضح حقوق بین الملل را نقض می‌کنند.

او افزوده که به همین دلیل افراد قدرتمند و شماری از مقامات دولتی که به دلیل مصونیت‌های که بعد از سال ۲۰۰۱ ایجاد شده‌است، مجازات نشده‌اند، زمانیکه دولت قبلی یا قدرت مقابله با این فرماندهان قدرتمند، جنگ سالاران و شبه نظامیان را نداشت.

سازمان دیدبان حقوق بشر افزوده که این یک واقعیت است که توسعه اداری در افغانستان یکی از راهای ثبات در این کشور است که شامل توسعه حاکمیت قانون، نیروهای مسلح و سیستم قضایی است.

به نوشته این سازمان حل مشکل مصونیت از مجازات نیازمندحمایت از سیستم قضای و حسابدهی است. محاکمه عاملان جنایت مطابق به استانداردهای بین المللی و جبران سریع خسارت قربانیان باید انجام شود.

این نهاد از دولت افغانستان به دلیل تعهدش به همکاری با دادگاه بین المللی کیفری قدردانی کرده و گفته که انتظار دارد، افغانستان برای عمل به این تعهد، با دادگاه کیفری همکاری کرده و این کشور را در رهایی فرهنگ معافیت از مجازات که به مردم این کشور برای سالهای طولانی صدمه زده، پایان دهد.

بین المللی کیفری (ICC) شد و حالا ۱۳ سال از آن می‌گذرد اما تا حالا هیچ اقدام عملی برای انجام تعهداتش به عنوان عضو این دیوان نکرده است.

این سازمان افزوده که تصمیم دولت افغانستان به عضویت دادگاه بین المللی کیفری باعث این امیدواری بود که قانونمندی جایگزین بی قانونی‌ها شود.

بیشتر از یک دهه بعد از خشونت‌های زیادی که در افغانستان شده، هنوز دیده می‌شود که مردم این کشور از نقض حقوق بشر که توسط گروه طالبان، سایر مخالفان و همچنین نیروهای نظامی مربوط به مقامات دولتی در این کشور انجام می‌شود، رنج می‌برند.

این نهاد افزوده که عاملان این خشونت‌ها به ندرت به سزای اعمالشان می‌رسند و قربانیان

سازمان دیدبان حقوق بشر که مقر آن در نیویارک است در نامه‌ی که به محمد اشرف غنی، رییس جمهوری افغانستان ارسال کرده، معافیت از مجازات را در این کشور، خشونت حقوق بشری خوانده و با توجه به قوانین بین‌الملل خواستار پایان به این نوع مصونیت شده است.

در این نامه که روز پنجشنبه، دوم ثور توسط این نهاد منتشر شده، آمده که بخشودگی یک فرهنگ نافذ در افغانستان است که از گذشته‌های دور در این کشور رواج داشته است.

دیدبان حقوق بشر افزوده که افغانستان باید با نقطه پایان گذاشتن به این فرهنگ زمینه کار دیوان بین المللی کیفری را در این کشور فراهم کند.

حکومت افغانستان در اکتبر ۲۰۰۳ عضو دیوان